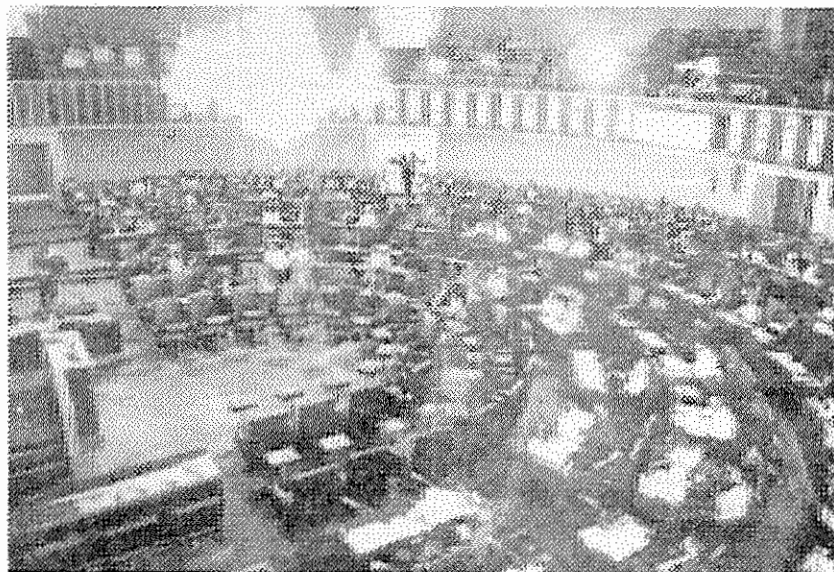


شکست تمامیت طلبان در انتخابات هیئت رئیسه مجلس شورا

● از ۱۲ نفر منتخب برای هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی،
۶ نفر از جبهه مشارکت هستند

● مخالفین اصلاحات، اختلافات در درون جبهه دوم خرداد را
تشدید می‌کنند

● مردم انتظار دارند که اصلاح طلبان بیکسر، سهم و وزن
مناسب را در مجلس به دست آورند



هیئت رئیسه دائم مجلس شورا انتخاب شدند. مهدی کروبی با ۱۹۳ رای از مجموع ۲۴۵ رای مأخوذه بر کرسی ریاست مجلس ششم تکیه زد. ۵۲ نفر در این رای گیری، رای سفید دادند. برای سمت نواب رئیسی مجلس بهزاد نبوی، محمدرضا خاتمی، مجید انصاری و علالدین پروجردی نامزد شده بودند. بهزاد نبوی با کسب ۱۵۵ رای و محمدرضا خاتمی با کسب ۱۲۵ رای از مجموع ۲۴۸ رای اخذ شده به

ترتیب نایب رئیس اول و نایب رئیس دوم برگزیده شدند. مجید انصاری که کاندیدای مجمع روحانیون مبارز بود، ۱۱۵ رای آورد و پروجردی از جناح اقتدارگرا ۵۸ رای کسب کرد.

جبهه دوم خرداد بخاطر اصراری که مجمع روحانیون مبارز جهت گنجاندن اسم مجید انصاری در لیست هیئت رئیسه داشت، با وجود مذاکرات طولانی، نتوانست روی لیست مشترک توافق کند و لذا سه نفر

کاندیدا برای نواب رئیس مجلس معرفی کرد و انتخاب دو نفر از بین سه نفر را به عهده مجلس گذاشت. اکثریت فراکسیون های تشکیل دهنده جبهه دوم خرداد به

دها نفر از دانشجویان اراکی صبح روز یکشنبه در اعتراضی به تغییر نتایج اراک توسط شورای نگهبان در مقابل مجلس شورا جمع شدند. یکی از دانشجویان معترض در گفتگو با خبرنگار ایرنا ضمن انتقاد از تصمیم شورای نگهبان مبنی بر ابطال تعدادی از صندوق های اخذ رای و معرفی نامزد سوم به عنوان نماینده مردم اراک در مجلس شورا گفت، ما از نمایندگان مجلس می‌خواهیم با قاطعیت با این مسئله برخورد کنند و با رد اعتبارنامه «حسن مرادی» مانع از راهیابی او به مجلس شوند چرا که او منتخب واقعی مردم اراک نیست. دانشجوی دیگری نیز گفت طوماری با بیش از ۷۰۰ امضا در

حمایت از «رحمان کارگشا» تهیه شده است که تسلیم علی نظری نماینده مردم اراک خواهد شد. شورای نگهبان تاکنون انتخابات چندین شهر را بدون ذکر دلیل باطل اعلام کرده و یا در نتایج انتخابات با باطل کردن تعدادی از صندوق ها، تغییراتی را بسوجود آورده است تا نمایندگان اصلاح طلب را حذف و کاندیداهای وابسته به جناح اقتدارگرا را به مجلس بفرستد. رئیس ستاد انتخابات استان مرکزی در اعتراض به اقدام شورای نگهبان گفت: در حالی که تنها ۲۵ صندوق اخذ رای مرحله دوم انتخابات مجلس ششم در اراک بازشماری شده است، بنا به دلایل مبهم، شورای نگهبان ۳۱ صندوق را باطل کرده است. □

تهاجم به جنبش دانشجویی

موج دستگیری و احضار دانشجویان ادامه بازداشت علی افشاری

در صفحه ۵

ضرورت تغییرات در کابینه دولت خاتمی

گشایش دوره ششم مجلس شورا که در آن جبهه دوم خرداد حائز اکثریت است، شرایط مساعدی برای دولت خاتمی فراهم آورده است تا در ترکیب فعلی کابینه دست برد و تغییرات ضرور در آن به وجود آورد و چهره های جدید و اصلاح طلب را به مجلس شورا معرفی نماید. این ضرورت از مدت ها قبل احساس می‌شود. کابینه فعلی نه متناسب با ترکیب مجلس کنونی است و نه بازتاب دهنده جنبش اصلاح طلبی در کشور است. از زمانی که خاتمی کابینه اش را به مجلس شورا معرفی کرد، حدود سه سال گذشته است. در آن زمان محدودیت های زیادی برای خاتمی وجود داشت و ترکیب مجلس وقت هم به زبان اصلاح طلبان بود. خاتمی در آن موقع خواست نظر مساعد خامنه ای را نسبت به کابینه جلب کند. به کارگزاران سازندگی که در پیروزی خاتمی نقش داشتند، پست بدهد و افرادی را به مجلس معرفی نماید که مجلس شورا به آنها رای اعتماد بدهد.

خاتمی، در آن زمان تنها بر انتخاب افراد مورد نظر خود در وزارت کشور (عبدالله نوری) و وزارت ارشاد (عطاءالله مهاجرانی) و وزارت فرهنگ و آموزش عالی (معین) اصرار ورزید و آنرا پیش برد. در مورد سایر وزراء، به انتخاب های احسن دست زد و وزارت اطلاعات را همچنان به اقتدارگرایان سپرد و دري‌نجف آبادی را در راس آن گماشت. خاتمی وزرای خود را کمابیش از بین تمام جناح های حکومتی برگزید و سعی نمود که به کابینه سیمای فراجناحی بدهد. او وزرای مربوط به امور اقتصادی را از بین وزرای کابینه رفسنجانی و موسوی انتخاب کرد که حامل گرایش های متعادلی بودند.

در بین وزرای دولت خاتمی، دو وزیر (نوری و مهاجرانی) به عنوان بازوی پیش برنده اصلاحات سیاسی در کابینه نقش موثر در پیشبرد اصلاحات سیاسی و فرهنگی داشتند. مجلس پنجم، عبدالله نوری را برکنار کرد، ولی موفق به برکناری مهاجرانی نشد. دري‌نجف آبادی، وزیر اطلاعات، در جریان قتل های زنجیره ای جای خود را به یونسی داد.

در طی سه سال گذشته، گرایش های متفاوت و برنامه های مختلف در عرصه اقتصادی موجب سردرگمی و کشاکش های درون کابینه گردید. وزرای اقتصادی در این مدت قادر نشدند که سیاست های منسجم و با برنامه ای را پیش ببرند. کارنامه دولت خاتمی در عرصه مسائل اقتصادی و بهزیستی زندگی مردم مثبت نیست. هنوز اقتصاد کشور با بحران عمیق مواجه است، رکود و تورم بر اقتصاد حاکم است، بیکاری بطور سرسام آوری بالا می‌رود، قیمت کالاها همچنان افزایش می‌یابد، ادامه در صفحه ۲

توقیف مطبوعات اصلاح طلب مرتفع می‌گردد؟

اما در کنار مسائل یاد شده، تشکیل هیئت منصفه مطبوعات اهمیت خاصی یافت. در قانون جدید مطبوعات که در ماه های آخر عمر مجلس پنجم تصویب و نظارت و منصفه را به گونه ای تعیین کرده اند که جناح راست در هر دو هیئت بتواند اکثریت را داشته باشد. حسب انتظار در روز یکشنبه این هفته ترکیبی از اعضای هیئت منصفه معرفی شد که جناح اقتدارگرا در آن دست بالا را دارد. با این ترکیب هیئت، نمی‌توان امید چندانی داشت که از تقسیری که از این قانون به عمل

ما گذشت نزدیک به ۲ ماه از بسته شدن «موقت» تعداد کثیری از نشریات پشتیبان اصلاحات سیاسی در کشور، موضوع رفع توقیف و آغاز مجدد فعالیت این نشریات هنوز به مراحل عملی خود نزدیک نشده است. از میان نشریاتی که انتشار خود را تدارک می‌دیدند نیز تنها حیات نو به صاحب امتیازی و مدیریت هادی خامنه ای موفق به آغاز کار شده است. روزنامه ملت در آستانه انتشار مرتب خود با حکمی از مقامات قضائی مواجه شد که براساس آن باید قبل از شروع انتشار لیست کامل کارکنان خود را ارائه کند تا مشخص شود که در میان آنان اعضاء و هواداران گروه های «ضد انقلاب» و «غیرقانونی» و محکومان دادگاه های انقلاب و کسانی که علیه نظام جمهوری اسلامی فعالیت و یا تبلیغ می‌کنند، یافت می‌شود یا خیر. امری که باعث شد دیگر نشریات در میانه راه، برای انتشار قریب الوقوع خود اندکی دست نگه دارند.

قوه قضائیه در هفته های اخیر نیز دشمنی خود با مطبوعات و روزنامه نگاران را ادامه داد. عمادالدین باقی، روزنامه نگار شجاعی که با کنکاش هایش در بررسی قتل های زنجیره ای، فلاحیان «شاه کلید» قتل را با پیش رسوا ساخت، در دادگاهی بدون حضور هیئت منصفه و عملاً غیر علنی محکوم و روانه زندان شد.

دادگاه ویژه روحانیت نیز علی اکبر محتشمی پور مدیر مسئول روزنامه بیان را برای دومین بار در طول انتشار آن به دلیل چهار مورد شکایت احضار کرد تا برای بستن آن نیز به اندازه کافی بهانه داشته باشد.

در این شماره
«مرجعیت» روحانیون و اتورینه روشنفکران بهرور خلق صفحه ۸
مشخصه حزب مدنی احمد رضائی صفحه ۸
تاز درون در آئی و در خویش بنگری کیوان ارجمند صفحه ۹
می‌گویند «اتزام نه»؟ بگوئیم احترام و رعایت قانون اساسی! رضا جوشنی صفحه ۱۰
جنبش اصلاح طلبی، دشواری های راه، وظایف ما حسین جواهری صفحه ۱۱

مجلس باید در مورد قتل های زنجیره ای تحقیق کند

طبق اصل هفتاد و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی، مجلس «حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد». هیچ اصل دیگری، این حق را محدود به ملاحظاتی از قبیل مسائل امنیتی و نظامی و مشابه آن نمی‌کند و هیچ استثنایی نیز مثلاً در مورد نهادهای غیرانتخابی وجود ندارد. مجلس، می‌تواند عملکرد همه نهادهای دولت و همه وزارتخانه ها گرفته تا قوه قضائیه و سایر نهادهای زیر نظارت رهبری جمهوری اسلامی را مورد بررسی قرار دهد. قبل از تشکیل مجلس ششم، برخی از روزنامه نگاران اصلاح طلب پیشنهاد تشکیل کمیته ملی حقیقت یاب توسط مجلس برای رسیدگی به پرونده قتل های زنجیره ای را مطرح کردند. اکنون، با توجه به اینکه رسیدگی به این پرونده از سایر مسیره ها به بن بست رسیده و وعده های مکرر رئیس جمهوری مبنی بر روشن کردن همه حقایق در مورد این جنایات، تحقق نیافته است، وظیفه مجلس است که پیشنهاد روزنامه نگاران اصلاح طلب را عملی و تحقیق در باره قتل های زنجیره ای را آغاز کند.

اکثر متهمان به شرکت در قتل ها آزاد شده اند و حتی سخن از این است که همه اطلاعات داده شده به مردم در مورد چگونگی دخالت وزارت اطلاعات در این جنایات، زیر سؤال می‌رود. رئیس جمهوری اخیراً حتی سخن از احتمال وجود «سرخ های خارجی» به میان آورد. می‌دانیم که هرگاه چنین ادعاهائی مطرح شده، برای گم کردن سرخ های واقعی بوده است. چرا رئیس جمهوری اینک همان حرفهائی را می‌زند که یک سال و نیم پیش برای از زیر ضرب خارج کردن پاند قاتلان در وزارت اطلاعات عنوان شد؟ چرا اکثر بازداشت شدگان، آزاد شده اند؟ چرا شاکیان خصوصی در جریان رسیدگی به پرونده قرار نمی‌گیرند؟ چرا گروه مسئول پیگیری پرونده، تاکنون چند بار عوض شده است؟ متهمان، در اعتراف های تلویزیونی چه گفتند؟ چرا این نوارها بخش نشد؟

اینها و ده ها سؤال دیگر، اذهان مردم و آزادخواهان را به خود مشغول کرده است. تا زمانی که این حقایق روشن نشوند، نمی‌توان وعده های شفافیت و حکومت قانون را باور کرد. یک سال و نیم برای روشن کردن زوایای مختلف قتل های زنجیره ای، زمان کمی نبوده است. نظر به اهمیت این پرونده که به قول اصلاح طلبان، اهمیت ملی دارد، اینک مجلس است که باید تحقیقات را از بن بست خارج کند و با استفاده از اختیارات خود مطابق قانون اساسی، به تحقیق و تفحص در باره یکی از مهم ترین مسائل سیاست کشور در ماه های اخیر بپردازد.

مجلس باید کمیته حقیقت یابی تشکیل دهد که وظیفه آن، نه تنها رسیدگی به قتل های زنجیره ای پانز ۷۷، بلکه تحقیق در باره همه موارد تورویسم دولتی در جمهوری اسلامی باشد، صرف نظر از اینکه این جنایات در داخل یا در خارج از کشور صورت گرفته باشد. علاوه بر جنایاتی از قبیل ترور مخالفان و نویسندگان، بار اعدام ها و جنایاتی که در زندان های جمهوری اسلامی نیز روی داده است بر روان جامعه سنگینی می‌کند و انتظار مردم از منتخبین خود، روشن کردن این حقایق نیز هست. ادامه در صفحه ۳

به بهانه سالگرد ۳۰ خرداد ۶۰

مجاهدین خلق ایران، وارد بیستمین سال مبارزه مسلحانه با رژیم جمهوری اسلامی می‌شوند. بیست سال است که میان مجاهدین و حکومت را در بیانی از خون گرفته است. ده‌ها هزار مجاهد در میدان‌های تیر، بر سر چوبه‌های دار، در درگیری‌های خیابانی، خانه‌های تیمی، جبهه‌های جنگ، زیر شکنجه یا به عنوان قربانیان تروریسم دولتی در تبعید، جان باخته‌اند. هزاران مجاهد دیگر، در عراق منتظر فرستادن تا انتقام یاران به خاک افتاده خود را بگیرند.

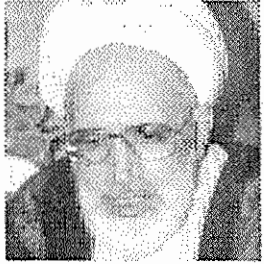
در اینجا قصد ما، نه نقد و بررسی عملکرد مجاهدین، که انتقاد به ادامه سیاست‌های بیست‌ساله حکومت در قبال آنان است. در فرصت‌های دیگری، به خط مشی مجاهدین پرداخته‌ایم. مخالفت ما با اعمال تروریستی، مواضع و خط مشی مجاهدین بارها اعلام شده است. و مبارزه ما همچنان ادامه خواهد یافت. بهای این موضع‌گیری‌ها را نیز با دشمنان و ناسزا و اتهامات ناروایی که مجاهدین نثار ما کرده‌اند، پرداخته‌ایم.

نوزده سال است که حکومت جمهوری اسلامی به بهانه مبارزه با تروریسم، خشک‌ترین و خشن‌ترین و چنانچه گران‌ترین سرکوب را بر هر آن کس که مظنون به فعالیت برای سازمان مجاهدین است، روا می‌دارد. نزدیک به دو دهه است که مجاهدین از رهبری خود می‌شوند که سرنگونی رژیم نزدیک است. شکنجه‌گران دیروز، قرب شده‌اند. یا تاجران یا صاحب منصب، یا دیپلمات‌ها یا سردار. موهای بسیاری از مجاهدینی که در ۳۰ خرداد ۶۰، دانش‌آموز یا دانشجو بودند، چونگد می‌شده است. اما هنوز، زخمی که این درگیری خونین بر پیکر جامعه ما وارد آورد، تازه است. ده‌ها سال دیگر خواهد گذشت تا این زخم التیام یابد، آن هم به شرطی که بر آن نمک نپاشند و زخم‌های جدید بر آن نیافزایند. به شرطی که جامعه از حقیقت تلخ آنچه در این دو دهه بر او رفت، نگریزد و با این حقیقت، صادقانه روبرو شود. جای بسی افسوس است که هنوز این راه را حتی آغاز هم نکرده‌ایم. در ایران، سه سال است که سخن از شفافیت می‌رود، اما کسی از اصلاح‌طلبان حکومتی به خود جرات نمی‌دهد از پسران و دختران نوجوانی که قربانی کینه‌توزی امثال لاجوردی شدند سخن بگوید. از جامعه مدنی دم می‌زنند اما حاضر نیستند بپذیرند «مسئله مجاهدین»، راه حل نظامی ندارد. در سال‌های اخیر، بر شمار حملات نظامی رژیم به مجاهدین در عراق افزوده شده است. گویي موشک‌اندازی به قرارگاه‌های مجاهدین، آنان را از ادامه مبارزه مسلحانه منصرف خواهد کرد.

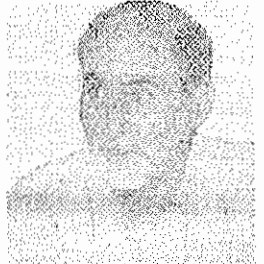
در ادامه وضعیت فاجعه‌بار کنونی، مافیای قدرت در جمهوری اسلامی ذینفع است. اگر مجاهدینی نبودند که هر از چندی بتوانند به عنوان مظنر دشمن غدار خارجی از آنان بهره گرفت، دشمنان آزادی در حکومت می‌بایست به فکر درست‌کردن چنین دشمنی می‌افتادند. کاملاً آشکار است که جناح غالب در حکومت، از این استخوان لای زخم سود فراوان می‌برد. کل موجودیت و گستردگی ارگان‌های سرکوب که منموت‌ترین تکیه‌گاه مافیای قدرتند، منوط به وجود دشمنان خارجی است. و چه دشمنی بهتر از آنکه ۲۰ سال است با این رژیم، درگیری جنگی خونین است. چنانچه مبارزه با این دشمن

شکست تمامیت‌طلبان در انتخابات هیئت رئیسه مجلس شورا

ادامه از صفحه اول



نمایندگان می‌گویند که در صورت اجرای طرح جدید، فضای کمیسیون‌ها جوابگوی تعداد نمایندگان کنونی نیست. برخی از کمیسیون‌ها جایگاه ویژه‌ای دارند (مثل کمیسیون امور خارجه) و فراقسیون‌های موجود در مجلس تلاش می‌کنند که عده بیشتری از آنها در کمیسیون‌های مهم جای گیرند. اکنون رقابت و کشمکش در مجلس حول کمیسیون‌ها متمرکز شده است.



اصلاح قانون انتخابات و شتاب‌بخشی به روند دمکراتیزه کردن جامعه، اصلاح قانون مطبوعات برای مقابله با اقتدارگرایان و نمایان تعیین آزادی، اندیشه و بیان با هدف پیشبرد جامعه چندصدائی از جمله این موارد هستند.



محمدرضا خاتمی نماینده اول تهران، روز سه‌شنبه ۱۷ خرداد در نخستین سخنرانی پیش از دستور خود که اولین سخنرانی پیش از دستور مجلس ششم نیز بود، گفت: تساوی حقوق افراد، مصون‌بودن حیثیت آنها از تعرض، ممنوعیت تفتیش عقاید، آزادی نشریات و مطبوعات، ممنوعیت تجسس نامدها، شمول سانسور و منع دستگیری خودسرانه افراد از جمله حقوق مردم است که مجلس شورا باید برای بازپس‌گیری کامل آنها بکوشد.

روحانیون مبارز (مهدی کروبی) است. برای اولین بار یکی از نمایندگان زن در ترکیب هیئت رئیسه مجلس جای می‌گیرد. ترکیب ۱۲ نفری هیئت رئیسه از جنبه دوم خرداد است و اقتدارگرایان نتوانستند حتی یک نفر را وارد هیئت رئیسه بکنند. رای بر جردی (۵۸ رای) که کاندیدای اقتدارگرایان بود، نشان می‌دهد که آرای آنها همین حدود تقریباً صاحب یک پنجم آرای مجلس هستند.

جنبه مشارکت اصرار داشت که یک نفر از اهل تسنن در هیئت رئیسه حضور یابد و آن را به نفع وحدت ملی می‌دانست. اما تلاش‌های جنبه به نتیجه نرسید و به گفته محمدرضا خاتمی جنبه مشارکت برای حفظ وحدت درونی جنبه دوم خرداد، ناچار به تبعیت از جمع شد و از پیشنهاد خود صرف‌نظر نمود.

در مصفحه‌های اخیر روزنامه‌های کیهان و رسالت کوشیدند که با حمایت از مجمع روحانیون مبارز و کاندیدای آن برای ریاست مجلس و نواب رئیس، اختلافات موجود در جنبه دوم خرداد را تسخیر کنند. اقتدارگرایان مهدی کروبی و مجید انصاری را جزو نیروهای وفسادار به انقلاب و اسلام می‌دانند و می‌کوشند موقعیت و موضع جنبه مشارکت را در درون جنبه دوم خرداد تضعیف نمایند. اما جنبه مشارکت در عین تأکیدی بر ضرورت پیشبرد اصلاحات، تلاش کرد اقدامات مخالفین اصلاحات را برای تشدید اختلافات خنثی کند و وحدت درونی جنبه دوم خرداد را حفظ نماید.

مجلس باید برای بازپس‌گیری کامل حقوق ملت بکوشد

در سخنرانی‌های قبیل از دستور نمایندگان اصلاح‌طلب در مورد تأمین آزادی‌های سیاسی و حقوق فردی، برآوری مطالبات و خواست‌های مردم مطالبی را عنوان می‌نمایند که اگر در عمل بدان پایبند بمانند، می‌تواند مجلس جایگاه شایسته خود را پیدا کند.

ضرورت تغییرات در کابینه...

ادامه از صفحه اول

برخوردار است و مردم خواستار تحولات جدی و اساسی در زمینه‌های مختلف هستند. در انتخابات اخیر مشخص شد که مسردم به پیشروترین و رادیکال‌ترین جریان درون حکومتی رای دادند. این گرایش نشان از آن دارد که مردم تداوم، گسترش و تعمق اصلاحات را می‌خواهند. خواست مردم آن است که خاتمی کابینه خود را با شرایط جدید انطباق دهد. اکنون واژه‌های وجود ندارد که مجلس شورا وزرانی را که توسط خاتمی معرفی می‌شود، رد کند. دست خاتمی در این زمینه باز است و انتظار مردم آن است که خاتمی دست به تغییر ترکیب کابینه خود بزند.

واحدهای تولیدی مرتباً تعطیل می‌شوند. ارزش پول کشور به‌طور چشمگیری کاهش یافته است. سطح زندگی مردم در سراسر کشور سقوط قرار دارد و مداوماً فقر و فلاکت مردم افزوده می‌شود.

دولت خاتمی در عرصه سیاست خارجی در طی سه سال گذشته به موفقیت‌هایی رسیده است. ولی این موفقیت بیش از این‌که حاصل فعالیت دیپلماتیک وزارت امورخارجه باشد، در نتیجه تغییر فضای سیاسی کشور و مسئله اصلاحات سیاسی و فرهنگی، به‌دست آمده است. ساختار وزارت امورخارجه همچنان دست‌نخورده باقی مانده و میراث ولایتی همچنان پابرجاست.

در عرصه آموزش و پرورش نیز تحول جدی صورت نگرفته است و وضعیت همچنان بر مدار سابق می‌گردد. وزیر آموزش و

تفاوت افکار عمومی

آرای مردم در انتخابات دوره ششم مجلس نشان می‌داد که آنها به پیگیرترین نیرو در طیف اصلاح‌طلبان حکومتی نظر مثبت داشتند. رای اول مردم تهران به محمدرضا خاتمی و راندن کروی، مسجد انصاری و محتشمی به دوره‌های آخر و یا خارج از لیست سی نفره تمایل مردم را به نیروهای اصلاح‌طلب پیگیر نشان می‌داد. اما با شروع کار مجلس از جانب نمایندگان وابسته به جناح اقتدارگرا و بخشی از طیف دوم خرداد‌ها، تلاش می‌شود که مشارکت تزانند موقعیت برابر با سهم و وزن خود در مجلس پیدا کنند.

انتظار مردم آن است که اصلاح‌طلبان پیشرو در مجلس در دفاع از حق موکلین خویش ابتکار عمل را به دست طیف سنتی جنبه دوم خرداد آن نسیارند، برای تأمین سهم و وزن مناسب در مجلس مبارزه کنند و طرح‌های ضرور را برای پیشبرد اصلاحات به مجلس ارائه دهند. اصلاح‌طلبان باید بدانند که موکلین آنها و افکار عمومی اعمال و برخوردهای آنها را با وسواس خاصی تحت نظر دارند و در مورد آنها قضاوت می‌کنند.

آمار تقریبی تعداد کرسی‌های فراکسیون‌های مجلس

با توجه به انتخابات هیئت رئیسه موقت و دائم، آمار تقریبی تعداد کرسی‌های فراکسیون‌های مجلس به ترتیب زیر است:

- فراکسیون‌های جنبه دوم خرداد حدود ۷۱ درصد
- فراکسیون اقتدارگرایان حدود ۲۱ درصد
- مستقل‌ها حدود ۸ درصد
- ترکیب درونی جنبه دوم خرداد:
- جنبه مشارکت ۷۷ کرسی (۳۰ درصد)
- مجمع روحانیون مبارز ۶۷ کرسی (۲۷ درصد)
- حزب اسلامی کار ۲۰ کرسی (۸ درصد)
- حزب کارگزاران سازندگی ۱۵ کرسی (۶ درصد)
- این آمار با توجه به ۲۶۰ کرسی فعلی نمایندگی استخراج شده است.

تشکیل کمیسیون‌های مجلس

بعد از انتخابات هیئت رئیسه مجلس، تشکیل کمیسیون‌های مجلس در دستور قرار گرفته است. نمایندگان قصد دارند طرح دوفوریتی اجرای آیین‌نامه سابق را تقدیم مجلس کنند تا بر اساس آن عمل شود. در آیین‌نامه جدید مجلس که در دوره قبلی تصویب شده است، عده‌ای از کمیسیون‌ها باید در هم ادغام شوند.

کمک‌های مالی رسیده	
به یاد رفیق ماندنی	از سوئد ۵۰۰ مارک
کمک به نشریه کار	سارا ۵۰۰ کرون
کمک به نشریه کار	رضا ۵۰۰ کرون سوئد

موج تشکیل فراکسیون در مجلس شورا

موج تشکیل فراکسیون مجلس را فرا گرفته است. هریک از احزاب و جریان‌های سیاسی حکومتی که در انتخابات شرکت داشتند و توانستند عده‌ای را راهی مجلس شورا بنمایند، در صدد تشکیل فراکسیون برآمده‌اند. فراکسیون جبهه دوم خرداد، فراکسیون جبهه مشارکت، مجمع روحانیون مبارز، اقتدارگرایان، حزب اسلامی کار، حزب کارگزاران سازندگی، در عین حال فراکسیون‌هایی در زمینه دفاع از حقوق مدنی و مطبوعات، زنان و کردها تشکیل شده است. می‌توان گفت که دوره کنونی مجلس پر فراکسیون‌ترین مجلس است. تاکنون فراکسیون‌های موجود در مجلس، فراکسیون‌های جناح‌های حکومتی بود که همانگویی‌هایی بین آنها برای تصمیم‌گیری‌ها صورت می‌گرفت. تشکیل این تعداد فراکسیون در دوره کنونی تجربه جدیدی است و باید دید که این

فراکسیون‌ها تا چه حد برای پیشبرد اهدافشان، طرح و برنامه ارائه خواهند داد و برای تحقق آنها تلاش خواهند کرد. در زیر گزارشی از تشکیل برخی از این کمیسیون‌ها را می‌خوانید.

فراکسیون دفاع از حقوق مدنی و مطبوعات

عباس صفائی فر دبیر انجمن آزادی مطبوعات و سردبیر روزنامه حیات نو در گفتگو با خبرگزاری دانشجویان (ایسنا) اعلام نمود: فراکسیون دفاع از حقوق مدنی و مطبوعات در مجلس ششم راه‌اندازی می‌شود. به گفته وی بر اساس پیگیری‌هایی که صورت گرفته، تاکنون با ۲۸ نفر از نمایندگان برای تشکیل این فراکسیون توافق حاصل شده و طی روزهای آینده تعداد آنان به بیش از دوبرابر نیروی کنونی خواهد رسید. دبیر انجمن آزادی مطبوعات افزود: مانعی ندارد که

افراد عضو فراکسیون دفاع از حقوق مدنی و مطبوعات حزبی باشند چراکه مطبوعات بحثی فراتر از احزاب و جریان‌ها است. وی اظهار نمود که نخستین اولویت این فراکسیون پیگیری مسئله قانون مطبوعات است. هرچند که مشکلات اقتصادی فراوانی در کشور وجود دارد، اما مسئله مهم‌تری با نام شادراه اطلاع‌رسانی هم‌اینک مطرح است چراکه تا وقتی شادراه اطلاع‌رسانی برای مردم بسته باشد، رشد در هیچ زمینه‌ای ممکن نبوده و حمایت مردمی به طور قطع شامل حال ما نمی‌شود. صفائی اظهار امیدواری کرد که این فراکسیون به زودی شکل بگیرد و در نتیجه آن ظرف دوسه ماه آینده شاهد حل مسئله مطبوعات باشیم.

تشکیل فراکسیون کردها

فراکسیون کردها با عضویت ۴۰ نماینده از استانهای کردتین در مجلس ششم تشکیل شده

مردم در انتظار برآورد مطالبات اقتصادی و اجتماعی هستند

زنده ماندن. وقوع این نوع حوادث دلخراش در کشور فراوان است، آمار خودکشی و خودسوزی در میان جوانان به ویژه دختران استانهای ایلام، لرستان، خراسان و کرمانشاه به شکل اسفناکی افزایش یافته است. افسردگی یکی از بیماری‌های رایج در کشور است که قشر جوان جامعه را به کام خود فرو برده است. موسیقی قانون‌گذاری در ارتباط با حقوق زن در کشور ما شدیداً تبعیض آمیز است و مسئله مرکزی تساوی و برابر حقوقی در نظام اسلامی امری فراموش شده تلقی می‌شود و هیچ وجه مشترکی با ضوابط منشور جهانی حقوق بشر ندارد. تلاش برای تامین حقوق زنان، یکی از انگیزه‌های اساسی مشارکت آنان در انقلاب بهمن بود که حضور آنها را در جامعه تثبیت ساخت. با گذشت ۲۱ سال هنوز خواست زنان جامعه عمل به خود نپوشیده و حقوق مدنی و

مناسب برخوردار نباشند، وقتی که از تامین هزینه آموزش و پرورش کودکان خود برنمی‌آیند، آخرین فقر از راه فرا می‌رسد و جامعه را آسیب پذیر می‌سازد. اکنون وجود کودکان خیابانی در کشور مسا به یک واقعیت اجتماعی تبدیل شده است. علی خرم، سفیر و نماینده دائمی جمهوری اسلامی در مقر سازمان ملل در ژنو، اخیراً گزارشی حول تحقق معاهده بین‌المللی حقوق کودک در ایران ارائه داده است که با واقعیات جامعه ما در تعارض است. او می‌گوید: سالانه بیش از ۲۰ درصد بودجه ملی ایران صرف رفا، آموزش، بهداشت و امور حقوقی کودکان می‌شود. وی در ادامه می‌افزاید: تمامی ایرانی‌ها بدون تبعیض و در نظر گرفتن جنس، رنگ، مذهب، نژاد، فرقه و زبان از حقوق انسانی، برابر و یکسان برخوردارند. اما واقعیات و شواهد موجود

بیش از دو دهه است که مطالبات اقتصادی و اجتماعی گروه‌ها، اقشار و طبقات جامعه ما بدون پاسخ مانده و روی هم انباشته شده است. تراکم انباشت خواست‌ها، امروز به معضل جدی اجتماعی کشور تبدیل شده است. مردم بار طاقت‌فرسای این معضل دیرینه را به دوش می‌کشند و فشار ناشی از آن، زیست و معیشت متعارف را از کف آنان برده و زندگی را به کام بی‌اعتنائی به مطالبات مردم از سوی مسئولین نظام، انبانی از خشم و تفر و رویارویی عربانی را علیه مافیای قدرت و ثروت شکل داده است. بخش قابل توجهی از نیروی کار و فعال جامعه با معضل بیکاری و عدم تامین اقتصادی و اجتماعی روبرو است. ما در اکثر شهرهای بزرگ، شاهد حضور گسترده جوانان و فارغ‌التحصیلان بیکاری هستیم

اعتصاب غذای دکتر محمود چهرگانی در زندان

محمود چهرگانی در زندان

دکتر محمود چهرگانی یکی از شخصیت‌های ملی - سیاسی آذربایجان می‌باشد. خود را برای انتخابات مجلس ششم کاندید کرده بود. مقامات جمهوری اسلامی دکتر چهرگانی را قبل از ثبت نام برای انتخابات مجلس ششم دستگیر می‌کنند و به این ترتیب از کاندید شدن چهرگانی جلوگیری می‌کنند. بعد از پایان مهلت ثبت نام مجلس وی را آزاد می‌کنند، این عمل مقامات جمهوری اسلامی مورد اعتراض وسیع مردم آذربایجان قرار می‌گیرد که در پی گسترش اعتراضات دوباره چهرگانی دستگیر می‌شود. دکتر چهرگانی تاکنون به علت برخوردهای بد مسئولان زندان چندین بار دچار سکنه قلبی شده است.

دکتر محمود چهرگانی یکی از شخصیت‌های ملی - سیاسی آذربایجان می‌باشد. خود را برای انتخابات مجلس ششم کاندید کرده بود. مقامات جمهوری اسلامی دکتر چهرگانی را قبل از ثبت نام برای انتخابات مجلس ششم دستگیر می‌کنند و به این ترتیب از کاندید شدن چهرگانی جلوگیری می‌کنند. بعد از پایان مهلت ثبت نام مجلس وی را آزاد می‌کنند، این عمل مقامات جمهوری اسلامی مورد اعتراض وسیع مردم آذربایجان قرار می‌گیرد که در پی گسترش اعتراضات دوباره چهرگانی دستگیر می‌شود. دکتر چهرگانی تاکنون به علت برخوردهای بد مسئولان زندان چندین بار دچار سکنه قلبی شده است.

توقیف مطبوعات....

متأسفانه شاهد عده‌های حاکی از آن است که نیروی بازدارنده قابل توجهی در مجلس ششم خواهان تدوین وضع موجود می‌باشد که بتوان نمونه می‌تواند به موضوع‌گیری‌های کربوبی از زمان انتخاب به ریاست موقت مجلس تاکنون اشاره کرد که اغلب در جهت مقابله با خواست‌های نمایندگان اصلاح طلب پیگیر مجلس بوده است.

مطبوعات «موقتاً» توقیف شده، در آینده نزدیک رفع توقیف گردد. دادگاه‌هایی که با حضور چنین هیئت «منصفه‌ای» که نماینده وجدان و افکار عمومی نیست تشکیل خواهد شد، تفاوت چندانی با دادگاه‌هایی که بارها بدون حضور هیئت منصفه رأی صادر کرده است، نخواهد داشت. از این رو نشریات توقیف شده برای یافتن امکانی برای ادامه کار باید چشم‌انتظار ایجاد تغییراتی در قوانین بجامانده از مجلس پیشین باشند. در این راستا، روز دوشنبه این هفته اعلام شد که حدود صد نفر از نمایندگان مجلس طرحی دو فوریتی را برای رفع محدودیت از مطبوعات ارائه داده‌اند و از جمله خواستار آن شده‌اند که برای تعیین هیئت منصفه همان هیئت منصفه پیشین اقدام کند. در صورت تصویب چنین طرحی، عمر هیئت منصفه تازه تشکیل شده بسیار کوتاه خواهد بود. ولی



سیاسی این قشر گسترده جامعه تامین نشده است. اعتراضات اجتماعی مردم در مقابله با پدیده شوم و نکبت بار بی‌حقوقی، هر از گاهی به اشکال گوناگون بروز می‌یابد و در جامعه طنین می‌افکند. تمامیت‌خواهان و محافظه کاران بر دریایی از خشم و انزجار مردم نشسته‌اند و ابلهانه با مردم و منافع ملی این کشور دشمنی می‌ورزند. آنها حقوق فردی و اجتماعی مردم را به سخره می‌گیرند و فضای سیاسی کشور را متشنج می‌سازند. حرکت و انتخاب آگاهانه و شگفت‌انگیز مردم در دوم خرداد ۷۶ امید فراوانی را در جهت رفع معضلات فوق در جامعه به وجود آورده، که بیانگر عزم مردم به تحقق اصلاحات در عرصه سیاسی و اقتصادی و تاکید به رعایت حقوق بشر و انطباق آن با قوانین کشور است. تصمیم و اراده‌ای که بعدها نمودش در انتخابات دوراهای سراسری و ششمین دور انتخابات مجلس شورا تبلور یافت. اکنون سوال این است که آیا نمایندگان که از سوی مردم به خانه ملت راه یافته‌اند تا چه اندازه خود را وام‌دار این ملت ستم‌کشیده می‌دانند و تا چه میزان تلاش خویش را در راه تحقق مطالبات اجتماعی، تامین حقوق مردم، توسعه سیاسی و مردم‌سالاری خواهند گرفت.

در کشور، به ویژه حضور گسترده کودکان که شب را در پارک‌ها و زیرپلها به صبح می‌آورند، خلاف گزارشات فوق را به اثبات می‌رسانند. در عین حال کشور ما سیمانی دیگر نیز دارد، در طی این سالها، اقلیتی محدود به ثروت‌های افسانه‌ای دست یافته است، زپرستانی که به جرات می‌توان گفت مسئول اصلی تمامی اوضاع نابسامان و تحمیل فقر مظلعم به محرومین جامعه‌اند. در میان آنها می‌توان بسیاری از چهره‌ها و مسئولین حکومت و رانت‌خوارانی که تجارت کشور را در حیطه نفوذ قدرت بلامناع خویش قرار داده‌اند، یافت. همان‌هایی که از پرداخت مالیات ظفره رفته و برج‌های سر به آسمان سنایده تهران را می‌سازند. از سوی دیگر در جامعه فقرزده هرروز شاهد حوادث تکان‌دهنده‌ای هستیم که وجدان هر انسان بیدار را می‌آزارد، ماه گذشته در کرمانشاه جاده‌های روی داد که شنیدن آن قلب بسیاری از انسان‌های شریف را در خود فشرده. نوجوان ۱۵ ساله‌ای که به علت فقر، امکان تهیه هزینه پانصدتومانی گردش دسته‌جمعی مدرسه را نداشت، چنان دچار یاس و حرمان گشت که شبانه با پیت نفت خود و خانواده‌اش را به آتش کشید و تنها پدر با ۷۰ درصد سوختگی

که هرروز در پی یافتن کار به مراکز کارمایی مراجعه می‌کنند. بسیاری از این مراجعات و تلاش‌های مداوم، با دریافت پاسخ منفی به یاس مبدل می‌گردد و بخشی از نیروی کار این قشر گسترده اجتماعی را به سوی مشاغل کاذب، از قبیل دستفروشی و واسطه‌گری سرازیر می‌سازد. حضور گسترده دستفروشان و دلالان در میادین و خیابان‌های اصلی شهرها، به رشد فرهنگ دلالی در سطح شهرها دامن زده و جامعه را از فرهنگ تولیدی و سازندگی دور می‌سازد. از سوی دیگر، پدیده بیکاری خطر اعتیاد و بزهکاری را در جامعه گسترش داده و به عدم امنیت در کشور دامن می‌زند. فقر و محرومیت شدید، زندگی اکثریت مردم شهر و روستا را در هم کوبیده و مناسبات اجتماعی و روابط خانوادگی را تخریب می‌کند. تشدید فقر و فلاکت اجتماعی در کشور به گونه‌ای است که عده‌ای از پدران و مادران را مجبور ساخته است برای تامین حداقل زندگی، کودک خود را جهت تکدی روانه خیابانها سازند و یا با دریافت مبلغ ناچیزی، کار آنها را به صاحبان کارگاه‌های قالبی بافی بفروشند. وقتی که محروم‌ترین اقشار اجتماعی جامعه از امکان تغذیه سالم، پوشاک، بهداشت و مسکن

قطعنامه تظاهرات کلن

حدود یک ماه از دستگیری مهرانگیز کار و شهلا لاهیجی می‌گذرد. بدنبال توقیف مطبوعات و دستگیری برخی از شرکت کنندگان در کنفرانس برلین توسط دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی ایران، مهرانگیز کار و شهلا لاهیجی از ۲۹ آپریل بازداشت شده‌اند. این دو زن سالهاست که برای حقوق زنان در ایران مبارزه می‌کنند. مبارزه آنان در متن مبارزاتی صورت می‌گیرد که طی ۲۱ سال گذشته از جانب زنان ایران برای بدست آوردن حقوقشان به پیش برده شده است. مهرانگیز کار، حقوقدانی است که با نوشتن کتب و مقالات بسیاری، تبعیض جنسی را در حوزه‌های مختلف حقوقی روشن کرده است. وی کوشیده با پیشنهاد طرح‌های اصلاحی در قوانین ایران به نفع زنان و در جهت نزدیکی با حقوق بشر تعدیلی بوجود آورد. از جمله مبارزات خانم کار، مبارزه برای بالا بردن سن قانونی دختران از ۹ سال به ۱۸ سال است. تا کودکان دختر مشمول قوانین کفبری نشوند و یا با مجوز ازدواج مورد سوءاستفاده جنسی قرار نگیرند. افزایش سن قانونی برای دختران بویژه برای توده عظیم زنان محروم ارزش حیاتی دارد. شهلا لاهیجی بیش از ۱۷ سال است که مسئولیت یک موسسه انتشاراتی را در تهران عهده دارد. او با چاپ آثار فرهنگی به رشد آگاهی و دانش عموم خدمت کرده و با نوشتن مقالات و کتاب‌های بسیار برای هویت‌یابی زنان در ایران مبارزه کرده است. مبارزه این دو زن، مبارزه فرهنگی علیه مردسالاری و در جهت رشد آگاهی اجتماعی است. چنین مبارزدهای را نمی‌توان با اتهام «اقدام علیه امنیت ملی» سرکوب کرد. ما همه زنان و مردان آزاده، همه سازمان‌ها و انجمن‌های اجتماعی را به اعتراض علیه این دستگیری‌ها دعوت می‌کنیم.

- ما گردآمدگان در این تظاهرات:
- ۱- ما خواهان آزادی بدون قید و شرط مهرانگیز کار، شهلا لاهیجی و سایر دستگیرشدگان هستیم.
 - ۲- ما خواهان آزادی بدون قید و شرط بیان و مطبوعات هستیم
 - ۳- ما خواهان لغو تمامی قوانینی هستیم که زن را مورد تحقیر، سرکوب و تجاوز قرار می‌دهد.

انجمن زنان ایرانی - آلمانی کلن پرتو - جنبش زنان در نورد راین وستفالن تشکیل مستقل دمکراتیک زنان ایرانی - هانوفر تشکیل مستقل زنان ایرانی - مونستر جنبش مستقل زنان ایرانی - فرانکفورت گروهی از زنان ایرانی در بیلفلد همایش زنان ایرانی - هانوفر

مجلس باید در مورد قتل‌های...

ادامه از صفحه اول
به گونه محدودیت زمانی در حوزه اختیارات کمیته حقیقت‌یاب مجلس، بر اعتماد مردم به مجلس خدشه وارد می‌آورد. مثلاً اگر مجلس تصمیم بگیرد صرفاً به قتل‌های دهه دوم پس از انقلاب بپردازد، مردم خواهند پرسید چه رمزی است که آن همه ترورها و اعدام‌ها در دهه اول را مستثنی کرده‌اند. مگر جنایتی مانند قتل هم مشمول مرور زمان می‌شود؟
محمدرضا خاتمی، نماینده دارای بیشترین آرا در مجلس ششم، در نخستین نطق خود در این مجلس گفت که از مهم‌ترین وظایف مجلس، احقاق حقوق انسانی مصرح در فصل سوم قانون اساسی است و افزود در گذشته این حقوق، رعایت نشده است. ما از این سخنان استقبال می‌کنیم و می‌افزاییم که اصلاح گذشته، از نقد و بررسی گذشته آغاز می‌شود. مجلس، احقاق حقوق مردم را باید از روشن کردن حقایق در باره نقض ابتدائی‌ترین حق انسان‌ها یعنی حق زندگی در دو دهه اخیر آغاز کند.

گفتگوی اکبر گنجی با دکتر حسین عظیمی

توسعه اقتصادی و توسعه سیاسی

به نقل از نشریه راه نو شماره ۱۸



واقع، نوسازی از نهادهای اقتصادی شروع شد. مثلا در دنیای قدیم، اقتصاد ما، اقتصادی محلی بود که از بازارهای محلی ارتزاق می کرد و لذا نیازی به جاده های بزرگ نداشت. ولی با ورود به دنیای جدید حجم ارتباطات افزایش پیدا کرد و به جاده، ماشین آلات، برق و... نیاز پیدا کردیم. توسعه ایران در بطن همین بحران ها شروع شد. تا سال ۵۰ و ۵۱، تکیه بیشتر روی ابعاد فیزیکی توسعه بود؛ نه صرف اقتصاد. ابعاد فیزیکی شامل دانشگاه و مدرسه - که امروزه نهادهای فرهنگی هستند - نیز می شود، ولی به ابعاد اندیشه پرداخته نشد. از سال ۱۳۵۱ به بعد ساختار سیاسی جامعه ایران به طرف یک ساختار سیاسی بسیار قدیمی متمایل شد. شاه از طرفی متوجه داریوش و کوروش و این قبیل چیزها بود و از طرف دیگر می خواست که یک جامعه صنعتی داشته باشد؛ این دو با یکدیگر نه تنها سازگاری نداشت که در تضاد بود.

از سال ۵۱ به بعد درآمد نفت به شاه این اجازه را داد که به ساختن ارتش و... بپردازد و در این زمان دنیا علاقه اش را به توسعه ایران نه به خاطر شاه و نفت، بلکه به خاطر اتمام جنگ سرد، از دست داده بود. در این زمان ایران به ژاندارم منطقه تبدیل شد و فرآیند تحول فیزیکی اندیشه شده ایران نیز متوقف شد. یعنی از سال ۵۱ تا ۵۶ ما با تکیه بر درآمد نفت دوره مصرف انبوه را تجربه کردیم. مصرف انبوه برای جوامع توسعه یافته است. در جوامع قدیمی بیشتر مردم فقیر بودند و با دستمزد بخورونمیر زندگی می کردند؛ رفاه خاص اشراف است... منابع درآمد ایران در دوران مصرف انبوه (۵۶ - ۵۱) ناشی از فروش نفت بود، نه درآمد غیر نفتی. و بعد هم انقلاب اتفاق افتاد.

● چرا انقلاب اتفاق افتاد؟ براساس نظریه جیمز دیویس، احتمال وقوع انقلاب زمانی که بهبودی در شرایط زندگی مردم پدید می آید، بیشتر است. همین که سطح زندگی شروع به بالا رفتن می کند، سطح انتظارات و توقعات مردم نیز بالا می رود. اگر روند بهبود شرایط واقعی بعد از این کند شود، تعادل به شورش به وجود می آید زیرا انتظارات و توقعات فرایند به ناگامی روبرو می شود. بدین سان اعتراض اجتماعی و نهایتا انقلاب، معمولا در شرایطی رخ می دهد که شرایط زندگی مردم تا اندازه ای بهبود یافته باشد. محرومیت مطلق منجر به اعتراض نمی شود، بلکه محرومیت نسبی، یعنی اختلاف بین سطح زندگی ای که به مردم تحویل شده و آنچه که فکر می کنند عطا باید دارا باشند، زمینه انقلاب را فراهم می سازد.

کمیترش اندیشه های برابری و مشارکت سیاسی دموکراتیک، به این گونه اعتراض های نیروی بیشتری می دهد. ● بالا رفتن صرف انتظارات و توقعات وقوع انقلاب را توجیه نمی کند. تجربه انقلابات نشان داده که در دوران های گذار تاریخی، انقلاب رخ می دهد. شما انقلابی سراغ ندارید که در غیر دوران گذار تاریخی اتفاق افتاده باشد. انقلاب روسیه، بعد از تحولاتی که پترکیر در نظام ستی جامعه ایجاد کرد، اتفاق افتاد. و همین طور انقلاب چین و ایران. ● خیلی از کشورها در مرحله گذار بوده اند ولی انقلابی در آنها صورت

● اکبر گنجی: ارزیابی جناب عالی از تدوین اولین برنامه توسعه که ۵۱ سال از آن می گذرد و نیز برنامه های بعدی توسعه چیست؟ آیا ما کامی به جلو برداشته ایم یا همچنان درجا می زنیم. آیا اینکه پس از گذشت یک قرن هنوز از ضرورت قانون کرائسی و پیشرفت سخن می گوئیم به معنای آن نیست که همچنان در اول راهیم؟ آیا این بدان معنا نیست که از اول تصور صحیحی از اندیشه توسعه و نظام اجتماعی مدون را نداشته ایم؟

● دکتر حسین عظیمی: جامعه ما اساسا جمعیت قابل توجهی از آن به صورت شنبلیلی یا به صورت سنتی - کشاورزی زندگی می کرده، فرهنگ متناسب با خود را دارا بوده و در ۵۰ سال اخیر اتفاقات بسیاری در جهت تغییر این بنیادها صورت گرفته است و ما نباید تصور کنیم که چون جامعه امروز ما مشکلات زیادی دارد، پس ما اصلا حرکت های توسعه ای نداشته ایم. اینگونه نیست. در یک نگرش خیلی کلان، دو عامل مثبت و یک عامل شاید منفی موجب تغییراتی در جامعه ما شده و می شود. عوامل مثبت یکی این است که از نظر جهانی، جامعه ما جامعه ای استراتژیک بوده و اطلاعات، خیلی سریع وارد آن می شده و تحت تاثیر دنیا قرار می گرفته است. لذا اندیشه توسعه که شاید آن را درست درک نکرده بودیم - وارد آن شده و مثلا در نهضت مشروطیت به نوعی خود را نشان داده است. در قانون اساسی ای که در نهضت مشروطیت تدوین شد، مثلا مالکیت، غیر قابل تعرض دانسته شد. و این اندیشه ای بود که از خارج وارد ایران شده بود. غیر از تعدادی روشنگر که از مفولات نهضت مشروطه آگاهی داشتند، بقیه مردم شاید کمتر به این مقوله می اندیشیدند. پس موقعیت استراتژیک ایران، آن را به سرعت تحت تاثیر حرکت های جهانی قرار می داد که این خود یک عامل مثبت برای توسعه ایران بود. عامل مثبت دیگر، نفت بود که کشور ما از آن برخوردار بود. البته عده ای معتقدند که نفت، ایران را از بین برد و اگر ما نفت نداشتیم، ژاپن شدیم؛ این چون ژاپن نفت نداشت، توسعه پیدا کرد. به نظر من، این عقیده خیلی ساده لوحانه است. هیچ دلیلی وجود ندارد که اگر ما نفت نداشتیم، حتما ژاپن می شدیم.

مسکن بود؛ افغانستان شوییم. افغانستان هم نفت ندارد و می بینم. با چه بحران هایی دست به گریبان است. پس از یک طرف موقعیت استراتژیک کشور ما و از طرف دیگر وجود نفت باعث شد تا حرکت هایی در جهت توسعه در کشور ما صورت گیرد. و اما نکته منفی در حرکت توسعه ما قدرت نهادهای قدیمی است. امروز به این نکته کمتر توجه می شود. جامعه ای مثل ایران که پیشرو تمدن قبلی؛ یعنی تمدن عصر کشاورزی بوده، نهادهای به خصوص نهاد فرهنگی اش از قدرت و نفوذ بسیاری برخوردار بوده و همین باعث شده که تقابلی با اندیشه جدید بسیار جدی و قوی باشد. از سال ۱۳۲۷ که برنامه های توسعه کشور به مرحله اجرا درآمده است و به ویژه از دوران پس از مرحوم دکتر مصدق تا حدود سال ۱۳۵۰ دنیای غرب به علت جنگ سرد و تئوری های حاکم بر آن، به دنبال توسعه ایران بود؛ چون آنها فکر می کردند اگر ایران توسعه پیدا نکند، کمونیست می شود. لذا منافع خود را در توسعه ایران می دیدند. البته توسعه به نظر آنها عبارت بود از: راه سازی، نیروگاه سازی، سد سازی و... اما نه نهاد سازی - نهادهای فکری و اندیشه ای. لذا تا سال ۵۰ و ۵۱ به این امور، یعنی به نوسازی اقتصادی، پرداخته. در

گزارش تکان دهنده از افزایش شکاف طبقاتی، فقر و بیکاری

درگیر این مسئله بوده اند و این تشنج در درون خانواده آسیب ساز است. دکتر طالبی گفت: اکنون ۸۰۰ هزار نفر در کشور به طور تفتنی از مواد مخدر استفاده می کنند و یک میلیون و دویست هزار نفر نیز معتاد هستند. بدتر از آن، اینکه سرانه سن معتادین اینک ۲۰ ساله است و یک معتاد حداقل ۳۰ سال در جامعه باقی می ماند و خود منشا ناهنجاری دیگر است. وی اظهار داشت: در سال ۷۷، چهار میلیون و دویست هزار پرونده در دادگستری مطرح بوده که با احتساب طرفین درگیر در پرونده ها، قریب یک ششم جمعیت کشور سر و کارشان به دادگستری افتاده است.

از نگرش یک سوئیه برنامه های اول و دوم توسعه به محور اقتصاد بود. وی افزود: هم اکنون دو میلیون و هفتصد هزار بیکار در کشور است که اگر در برنامه سوم توسعه مالی ۷۰۰ هزار شغل ایجاد شود، در انتها باز همین تعداد بیکار خواهیم داشت. معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی کشور گفت: تطلاق در دهه ۷۰ با یک رشد فزاینده روبرو بوده، به طوری که در سال ۷۷ یکصد هزار دادخواست تطلاق در کشور داشته ایم که ۴۲ هزار مورد آن به تطلاق منجر شده است که اگر حداقل هشت نفر در ارتباط با تطلاق درگیر باشند، ۸۰۰ هزار نفر به طور مستقیم

به گفته دکتر طالبی، معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی، ساختارهای قضائی، فرهنگی، اجتماعی و آموزشی کشور متناسب با سیاست تعدیل اقتصادی نبود و به همین دلیل چالش ها و حفره های سنگین در ابعاد دیگر آن، خصوصا در بعد اجتماعی پدید آمد. به گفته وی، با توجه به متوسط جمعیت هر خانوار ایران که ۳/۸ نفر است، حدود ۱۲ میلیون نفر زیر خط فقر به سر می برند. و اقتصاد کشور که در دهه ۶۰ به شکل لوزی بود، اینک به شکل مثلث درآمده. به این معنی که ۲۰ درصد مردم، ۸۰ درصد ثروت جامعه را در اختیار دارند. این شکاف طبقاتی ناشی

بر آورد حیرت انگیز کارشناسان از حجم قاچاق کالا در ایران

درآمدهای از دست رفته دولت از کالاهای قاچاق شده (با احتساب ۵۰ درصد حقوق گمرکی و سود بازرگانی برای واردات قانونی این کالاها که اغلب از نوع کالاهای لوکس مصرفی هستند) به میزان ۲ تا ۴ هزار میلیارد ریال است. ورود این کالاهای قاچاق تهدیدی برای تولیدات داخلی است که توان رقابت با تولیدات خارجی مشابه را ندارند. به عقیده کارشناسان اقتصادی و نظامی، وجود مرزهای طولانی زمینی و دریائی و فقدان منابع کافی برای نظارت مستمر بر آنها، قوانین و مقررات حاکم بر تجارت خارجی که محدودیت ها و مستوعیت های مختلفی را بر واردات کالاهای لوکس اعمال می کند، بیکاری جوانان ساکن در مناطق مرزی و نبود فعالیت های

سرمایه گذاری وسیع در امر جاده سازی، سددسازی، کارخانه سازی و... توسعه یافت.

باز هم متوجه این نکته نبودیم که اگر این پدیده، هماهنگ با سایر زمینه ها پیش نرود، بحران ایجاد می کند که البته آن بحران ها ایجاد شد. از سال ۷۳ به بعد هم دست و پا می زنیم و کار خاصی نکرده ایم. از دوم خرداد ۷۶ تا کنون به نظر من در حالت تجربه و خطا به دنبال نهاد سازی های غیر فیزیکی هستیم و این طبعاً مشکلات خاص خود را دارد. اقتصاد همچنان بحرانی است و بحران های خارجی نیز به آن اضافه شده است. پس با نگاهی واقع گرایانه به نیم قرن توسعه ایران به این نتیجه می رسیم که جامعه ما، نه کاملاً توسعه پیدا کرده و نه درجا زده است. در گذشته های مختلف حرکت هایی انجام شده بازسازی هائی صورت گرفته که کم اهمیت نیست. جامعه ایران در حال حاضر بیست میلیون دانش آموز و یک و نیم میلیون دانشجوی دارد، هر چند مدارس و دانشگاه ها از نظر کیفی مشکلاتی دارند. میزان شهرنشینی در ایران به بالای ۶۵ درصد رسیده است. همین عوامل است که دوم خرداد را پشه وجود آورد یعنی: گسترش آموزش، گسترش شهرنشینی، گسترش اطلاعات. به عبارت دیگر پدیده دوم خرداد پدیده های خلق الساعه نبود، بلکه زیربنای آن - سال ها تجربه، فکر، مطالعه و کار - در پشت سر این پدیده بوده است. به عبارت دیگر روی کار آمدن آقای خاتمی نتیجه دهه های متدای کار در نظام آموزشی کشور است. به نظر من توسعه ایران تا کنون از مراحل انتهایی زیادی گذر کرده و اکنون به جایی رسیده که به نظر می آید که بخش اقتصادی آن نسبت به سایر بخش ها بسیار پیشرفته تر است و این مسئله، فشارهایی را بر سایر ابعاد توسعه وارد می آورد که صدرصد هم ضروری است. نکته امیدوار کننده این است که بعضی از مقولات توسعه قبلی را به راحتی نمی توان تغییر داد؛ یعنی حتی اگر کارخانجات، راه ها و... در صورت عدم استفاده، مستهلک شده و بالتجربه در این عرصه ها وضع به صورت قبل برگردد ولی نسل باسواد امروز دیگر بی سواد نمی شود و زمان بسیاری لازم است تا بیسودی گذشته دوباره برگردد. بحران های اقتصادی شدیدی باید ایجاد شود تا این نسل دوباره به روستاها برگردد. خلاصه آنکه شرایط بسیاری لازم است تا خواسته های توسعه سیاسی از بین برود. من به طور کلی نسبت به آینده توسعه کشورمان امیدوار هستم.

درآمدهای از دست رفته دولت از کالاهای قاچاق شده (با احتساب ۵۰ درصد حقوق گمرکی و سود بازرگانی برای واردات قانونی این کالاها که اغلب از نوع کالاهای لوکس مصرفی هستند) به میزان ۲ تا ۴ هزار میلیارد ریال است.

درآمدهای از دست رفته دولت از کالاهای قاچاق شده (با احتساب ۵۰ درصد حقوق گمرکی و سود بازرگانی برای واردات قانونی این کالاها که اغلب از نوع کالاهای لوکس مصرفی هستند) به میزان ۲ تا ۴ هزار میلیارد ریال است. ورود این کالاهای قاچاق تهدیدی برای تولیدات داخلی است که توان رقابت با تولیدات خارجی مشابه را ندارند. به عقیده کارشناسان اقتصادی و نظامی، وجود مرزهای طولانی زمینی و دریائی و فقدان منابع کافی برای نظارت مستمر بر آنها، قوانین و مقررات حاکم بر تجارت خارجی که محدودیت ها و مستوعیت های مختلفی را بر واردات کالاهای لوکس اعمال می کند، بیکاری جوانان ساکن در مناطق مرزی و نبود فعالیت های

بر اساس آمار نیروهای انتظامی، در سال ۱۳۷۶ حدود ۸۶۰ میلیارد ریال کالای قاچاق کشف شده است. با توجه به آنکه تقریباً ۵ تا ۱۰ درصد محموله های قاچاق توسط نیروهای انتظامی کشف می شوند، رقم واقعی کالاهای قاچاق ۸۶۰ تا ۱۷۲۰ میلیارد ریال (حدود ۲ تا ۴ میلیارد دلار) برآورد می شود. اگر این منابع در فعالیت های اقتصادی مولد سرمایه گذاری می شد، می توانست ۲۰۰ تا ۴۰۰ هزار فرصت شغلی ایجاد کند و در رشد ناخالص داخلی اثر مثبتی داشته باشد.

درآمدهای از دست رفته دولت از کالاهای قاچاق شده (با احتساب ۵۰ درصد حقوق گمرکی و سود بازرگانی برای واردات قانونی این کالاها که اغلب از نوع کالاهای لوکس مصرفی هستند) به میزان ۲ تا ۴ هزار میلیارد ریال است. ورود این کالاهای قاچاق تهدیدی برای تولیدات داخلی است که توان رقابت با تولیدات خارجی مشابه را ندارند. به عقیده کارشناسان اقتصادی و نظامی، وجود مرزهای طولانی زمینی و دریائی و فقدان منابع کافی برای نظارت مستمر بر آنها، قوانین و مقررات حاکم بر تجارت خارجی که محدودیت ها و مستوعیت های مختلفی را بر واردات کالاهای لوکس اعمال می کند، بیکاری جوانان ساکن در مناطق مرزی و نبود فعالیت های

شرکت های سرمایه گذاری با پول های مردم چه می کنند؟

شرکت های سرمایه گذاری اطلاعات دقیقی در دست نیست و حدود سرمایه شرکت های سرمایه گذاری در قیاس با یکدیگر بسیار نوسان و پراکنده ای دارد. بزرگترین آنها ۹۰۰ میلیارد ریال و کوچک ترین آنها ۵۰۰ میلیارد ریال سرمایه دارد. به گفته کارشناسان اقتصادی، اثرات مؤثری از سرمایه گذاری این شرکت ها در بخش تولید و حقیقی اقتصاد به نسبت جمعی که در بازار بورس فعال هستند، دیده نشده است. این شرکت ها به دنبال سودهای کوتاه مدت و سریع هستند و با توجه به شرایطی که احساس امنیت زیادی برای سرمایه گذاری وجود ندارد، سرمایه گذاری می کنند که به سرعت بازدهی داشته باشد. اکنون قانونی وجود ندارد که شرکت های سرمایه گذاری را از فعالیت دلالتی منع کند.

تعداد ۸۳ شرکت سرمایه گذاری با مالکیت خصوصی، دولتی و مختلط با بیش از یک میلیون و هفتصد هزار نفر سهام دار، بخش عمده ای از نقدینگی را که در جامعه را به خود جذب کرده اند و ولی از حجم فعالیت های اقتصادی آنان اطلاعات شفافی در دست نیست. از مجموع کل شرکت های سرمایه گذاری، تعداد ۴۱ شرکت به عنوان سهامی عام هستند که از این میان ۱۴ شرکت در بورس پذیرفته شده اند و مابقی یا بعنوان سهامی خاص هستند و یا این که از وضعیت مالکیت آنها خبری نیست. در میان تمام این شرکت ها، از تعداد سهامداران ۴۹ شرکت اطلاعاتی موجود نمی باشد و ۳۴ شرکت دیگر، بیش از ۱/۷ میلیون نفر تخمین زده می شود. تعداد ۵ شرکت از مجموعه ۱۴ شرکت سرمایه گذاری پذیرفته

شرکت های سرمایه گذاری با پول های مردم چه می کنند؟ اطلاعات دقیقی در دست نیست و حدود سرمایه شرکت های سرمایه گذاری در قیاس با یکدیگر بسیار نوسان و پراکنده ای دارد. بزرگترین آنها ۹۰۰ میلیارد ریال و کوچک ترین آنها ۵۰۰ میلیارد ریال سرمایه دارد. به گفته کارشناسان اقتصادی، اثرات مؤثری از سرمایه گذاری این شرکت ها در بخش تولید و حقیقی اقتصاد به نسبت جمعی که در بازار بورس فعال هستند، دیده نشده است. این شرکت ها به دنبال سودهای کوتاه مدت و سریع هستند و با توجه به شرایطی که احساس امنیت زیادی برای سرمایه گذاری وجود ندارد، سرمایه گذاری می کنند که به سرعت بازدهی داشته باشد. اکنون قانونی وجود ندارد که شرکت های سرمایه گذاری را از فعالیت دلالتی منع کند.

بنیاد مستضعفان، ۴۰۰ شرکت دارد

۴۰۰ شرکت در قالب ۵ سازمان را در تملک دارد و علاقه مند است که تعدادی از این واحدها را به مردم واگذار کند. وی یادآور شد که بنیاد

یحیی آل اسحاق، قائم مقام اقتصادی بنیاد مستضعفان در جمع میهمانان شرکت کننده در یازدهمین سالروز درگذشت خمینی اعلام کرد که این نهاد

۴۰۰ شرکت در قالب ۵ سازمان را در تملک دارد و علاقه مند است که تعدادی از این واحدها را به مردم واگذار کند. وی یادآور شد که بنیاد

مختومقلی فراغی شاعر رئالیست خلق ترکمن و مشرق‌زمین

ب.گری



نیازهای سیاسی، اجتماعی و روحی خلقتش قرار می‌دهد و در کلیهٔ حوادث سیاسی و اجتماعی مردمش حضور عملی دارد. لذا دیوان وی نمونهٔ کاملی از ادبیات متعهد می‌باشد.

در رابطه با خلقت ادبی شاعر باید عرض کنم که وی همانگونه که در بالا اشاره کردید، علاوه بر تحقیقات دینی، با آثار اغلب شعرا، فلاسفه و متصوفین بزرگ مشرق زمین و نیز فلسفهٔ یونان آشنائی داشته و در اشعار خود جابه‌جا از بسیاری از آنان به‌احترام یاد می‌کند. اما علاوه بر آن، منبع فیض شاعر اساساً فولکلور و میتولوژی بسیار زیبا و غنی ترکمنی بوده است. وی در کلیهٔ عرصه‌های حیات مادی و معنوی انسانی و نیز مسائل گوناگون اجتماعی کم و گزیده سخن گفته، با اندک خود جهانی را پر نموده است. به‌جرات می‌توان گفت که موردی در حیات انسانی وجود ندارد که مختومقلی به آن برخورد نکرده باشد. با نظر داشت چنین واقعیتی است که شرق‌شناس برجسته و نامی پرفسور «برتلس» چنین می‌نویسد: «دیوان مختومقلی همچون جام‌افسنادی جم می‌باشد که تمامی جهان را در خود منعکس می‌نماید». هر جنبه‌ای از اشعار مختومقلی یادآور برخی از مشاهیر جهان می‌باشد. تاکون او را با یوسف بالاساغونلی، علیشیر نوانلی، نسیمی، خیام، حافظ، پوشکین، دانته، گوته و دیگران مقایسه کرده‌اند اما بلافاصله علاوه نموده‌اند که وی مقلد هیچیک از شعرای قبل از خود نبوده، بلکه شخصیتی کاملاً خودویژه می‌باشد. در اینجا جا دارد با نظر برخی از صاحب‌نظران در رابطه با شاعر آشنا شویم.

پرفسور ترکمن می‌نویسد: «عصرخیام و مختومقلی هر دو از شرایط سخت و سنگین جامعه‌شان رنج می‌برند. خیام راه چیره‌شدن بر غم و اندوه زمانه را در مس و مطرب و سهیل‌گیری مسائل می‌یابد. اما مختومقلی برعکس وی بر این پندار است که، اگر غم و شادی و حیات انسانی کوتاه و گذرا می‌باشند، پس بدون لحظه‌ای درنگ و اتلاف وقت، پیوسته باید کوشید و آفرید...»

ادیب آذربایجانی پرفسور عارف حاجی‌یف: «خلاقت مختومقلی در بخش شرقی ادبیاتمان یک پدیدهٔ شگرف در قرن ۱۸ میلادی می‌باشد. در آثار شاعر پیوسته مراحل حیات و تکامل تدریجی جهانی پیچیدهٔ وی تجلی پیدا می‌کند. مضامین اجتماعی شاید در هیچیک از آثار شعرای مشرق زمین به اندازهٔ دیوان مختومقلی جایگاه برجسته‌ای نیافته باشند...»

مستفاد ادبی ترکمن سالیامرادوف: «مختومقلی رئالیسم نوپای ادبیات مشرق زمین

مردم ترکمن بازآفرینی، تبلیغ و ترویج می‌نماید. در اینجا لازم است قدری با بیوگرافی شاعر گرانقدر آشنا شویم:

مختومقلی (حدوداً) در سال ۱۷۳۳ میلادی در روستای «چای‌قوشان» واقع در شرق گنبدکاووس چشم به جهان می‌گشاید. تحصیلات ابتدائی را در مکتب پدر آندیشمند خود می‌گذراند. سپس جهت ادامهٔ تحصیلات عازم بخارا و خیوه که از مشهورترین مراکز علمی ترکمنستان بود می‌شود. تحت تاثیر دگرگونی‌های بزرگ سیاسی که در بالا بدان اشاره کردیم، به همراه دوست خود «نوری کاظم»، از ترکمن‌های سوری که جهت تدریس زبان عربی به بخارا دعوت شده بود، به سیر و سیاحت و مطالعهٔ جوامع و ممالک مختلف می‌پردازند. نخست شهرها و روستاهای ترکمنستان را بررسی می‌کنند و به میان ایالات مختلف رفته با رهبران ایالات و مردم به شور و کنکاش می‌پردازند. سپس جهت مطالعهٔ اوضاع سیاسی و اجتماعی کل منطقه، راهی افغانستان و هندوستان می‌شوند. در راه بازگشت، از طریق ازبکستان وارد شهر ترکستان و مدرسهٔ بزرگ «خواجه احمد یساوی» می‌شوند. در آنجا با اساتید مدرسه در عرصه‌های مختلف مشورت می‌کنند و با رهنمود آنان به شهر خیوه برمی‌گردند. مختومقلی سه سال در مدرسهٔ «شیرغازی» خیوه به تحصیل و بحث و فحص علمی می‌گذراند و تا رتبهٔ معاونت مدرسه ارتقا می‌یابد. وی در آنجا با کلیهٔ آثار علمی و ادبی مشرق زمین آشنا می‌شود. علاوه بر ترکی جغتائی به زبان‌های عربی و فارسی نیز تسلط کامل پیدا می‌کند. از طریق زبان عربی، به فلسفهٔ یونان و به ویژه با آثار افلاطون و نیز آندیشندان غربی نوس ترکستان، چون ابن‌سینا و فراهینی آشنا می‌شود. در این زمان به علت شرایط سیاسی - اجتماعی حاد که در ترکمنستان پیش آمده بود، از شاعر و متفکر بزرگ دعوت می‌شود که بدون فوت وقت به میان مردم خود برگشته، در حل معضلات موجود آنان را یاری نماید. شاعر این دعوت را به مثابهٔ وظیفهٔ ملی و انسانی خود از دل و جان پذیرفته، بی‌درنگ راهی ترکمنستان می‌شود و از آنجا تاریخ زندگی پرمجرا همراه با خلاقت ادبی شاعر آغاز می‌گردد.

در این مرحله، بیت بیت اشعار شاعر در حقیقت خطابه‌های است جهت دعوت مردم ترکمن به اتحاد و همدلی و مبارزهٔ خستگی‌ناپذیر برای تشکیل دولتی ملی و متمرکز. او تمام توش و توان، علم و تجربیات پر بار و غنی خود را در خدمت جوابگویی به

در ترکمنستان ویران‌شده باقی مانده و مجبور به سازش با زندگی نیمه‌کروچ نشینی شده بودند. تشکیل مجدد دولتی متمرکز و احیا افتخارات گذشته‌شان، به آرزوی حسرت‌بار تبدیل می‌گردد. تاریخ خلق ترکمن از آغاز این پروسه با مضمون مبارزهٔ خستگی‌ناپذیر در راه تحقق این آرزوی ملی بیان می‌شود. سه قرن طول می‌کشد تا ترکمن‌های پراکنده دوباره گرد آیند و به عنوان یک خلق واحد عرض‌اندام نمایند. در دوران تیموریان گام‌های بزرگی در جهت ترمیم ویرانی‌های گذشته و احیا و بازسازی شهرهای قدیمی برداشته می‌شود. از لحاظ فرهنگی افسانه‌های باستانی چون اوغوزنامه، قورقوت‌آنا (دده قورقوت)، کوراوغلی، اصلی کرم و... با رنگ اسلامی بازآفرینی می‌گردد و در حقیقت خلق ترکمن تاریخ حماسی و میتولوژیک خود را احیا می‌کنند...

به دنبال حملات و ویرانگرانهٔ دیگری که از سوی دولت صفویه تحت پوشش جنگ مذهبی (شیعه - سنی) و پس از آن حملات مخرب تر نادرشاه در جهت تحقیر آرماسان‌های جهانگشایانه‌اش که خود از ترکمن‌های افشار بوده است، برای ملت ترکمن ایجاد یک دولت متمرکز و متحدکننده برای دفاع از موجودیت و حیثیت ملی و سرزمین خود، به ضرورتی اجتناب‌ناپذیر تبدیل شده، شور و التهاب و چاره‌جویی همه‌کس و همه‌جا را فراگرفته بود.

در چنین برههٔ حساس تاریخی «دولت‌محمد آزادی»، پدر مختومقلی فراغی، پا به میدان مبارزه می‌گذارد و جهت پاسخگویی به این ضرورت تاریخی، کتاب «وعظ آزاد» خود را به نظم در می‌آورد. این کتاب که از چهار بخش تشکیل شده است، در حقیقت طرح قانون اساسی دولت مورد نظر بود. با ترور شدن نادرشاه در سال ۱۷۴۷ میلادی، دگرگونی‌های بزرگ و خیزش‌های ملی سرتاسر سرزمین‌های فراگیره که در زور شمشیر نگه داشته بود، فرا می‌گیرد. گرجستان، آذربایجان، عراق، افغانستان در راه ایجاد کشورهای ملی خودشان به پا می‌خیزند...

با تشکر از توجیهی که به شاعر ملی‌مان مختومقلی فراغی نموده‌اید، باید عرض کنم که معرفی کامل تر و همه‌جانبه‌تر وی در یک مقالهٔ مختصر امکان‌پذیر نمی‌باشد. لذا سعی خواهم کرد جهت آشنائی خوانندگان با ادبیات خلق ترکمن بیگانه بوده و یا تنها نامی از مختومقلی شنیده‌اند، دید معینی بدم، فیلسوف، آندیشمند بزرگ و شاعر ملی خلق ترکمن نه تنها در اعتلای زبان و ادبیات ترکمنی نقش بسیار ارزنده و ویژه‌ای داشته و دارد، بلکه به‌نظر برخی صاحب‌نظران، رئالیسم نوپای ادبیات مشرق زمین را یک پله ارتقا داده است. وی همچنین در حیات سیاسی ملت‌مان نیز جایگاه بلند و کم‌نظیری دارد.

برای درک عظمت و ارزشیابی عینی‌تر از رسالت تاریخی شخصیت‌های بزرگ باید بتوانیم آنان را در بطن زمان و مکان و شرایط اجتماعی دوران حیاتشان مشاهده کنیم. لذا مقتدا به بخشی از تاریخ خلق ترکمن یعنی از حملهٔ چنگیزخان تا دوران حیات شاعر و به‌ویژه شرایط سیاسی - اجتماعی قرن ۱۸ میلادی نظری گذرا می‌اندازیم.

خلق ترکمن وارث تاریخی چندهزار ساله بوده، به‌ویژه استعداد خاصی در حکومت‌گری و ایجاد دولت‌های بزرگ داشته است که نمونهٔ برجستهٔ آن دولت فدراتیو سلجوقیان می‌باشد. اما پس از حملهٔ چنگیزخان در سال ۱۲۱۹ میلادی به ترکمنستان سیاه‌ترین و سخت‌ترین دوران تاریخی خلق ترکمن آغاز می‌گردد. دولت خوارزمشاهیان که از اتحاد قیجاق - ترکمن پدید آمده بود، در آستانهٔ حملهٔ وسیع چنگیزخان، در مقابل این سوال تاریخی که آیا در مقابل این سیل خروشان باید مقاومت کرد یا تسلیم شد؟ از درون شکاف برمی‌دارد. قیجاق‌ها به پیروی از سیاست «ترکان خان‌تون»، مادر سلطان محمد خوارزمشاه، مصمم می‌شوند بدون هیچ‌گونه مقاومتی تسلیم شوند. از آن ترکمن‌ها به رهبری «جلال‌الدین» که از زمان ترکمن سلطان محمد زاده شده بود، تصمیم به ایستادگی در مقابل دشمن و دفاع از سرزمین آبا و اجدادی خود می‌گیرند. بین دوطرف جنگ‌های بسیار سخت و ویرانگرانه‌ای از دورگنج تا نیشابور ادامه می‌یابد که در نتیجهٔ آن به هر دو طرف تلفات هولناکی وارد می‌شود. هرچند چنگیزخان مجبور می‌شود مالکیت ترکمن‌ها را بر بخشی بزرگ از ترکمنستان بدرسمت بشناسد اما از سوی دیگر ترکمنستان بکلی ویران و تقریباً از سکنه خالی می‌شود.

شهرهای بزرگی چون ماری (مرور در ادبیات عربی و فارسی)، دورگنج، انو، نوسامی، ربورود، دهستان یا خاک یکسان می‌شود. قویترین ایلات ترکمن چون بیات، افشار، قانی بیگدلی، خلج، ذوالقدر به سوی آذربایجان، ایران و آنادولی مهاجرت می‌کنند. دولت‌های ترکیه عثمانی، آق‌قویونلو و قره‌قویونلو حتی صفویه به دست این ایلات پایه‌گذاری می‌شود. اما برای جمعیت پراکنده و قلیل ترکمن‌هایی که

بزرگداشت سالروز تولد مختومقلی فراغی شاعر ملی خلق ترکمن

امسال نیز به رسم هر ساله سالروز تولد مختومقلی فراغی شاعر ملی خلق ترکمن و یکی از مفاخر ملی مشرق زمین از تاریخ ۲۱ تا ۲۷ اردیبهشت ۱۳۷۹ در ترکمن صحرا برگزار شد. هفته بزرگداشت شاعر گرانقدر خلق ترکمن در طی یک هفته در شهرهای گمیشان، گرگان، بندر ترکمن، گنبد کاووس، کلاله، آق‌قلا و آق‌توقای برگزار شد.

در مراسمی که به مناسبت بزرگداشت مختومقلی فراغی در شهرهای مختلف ترکمن صحرا برگزار شد، شاعران و نویسندگان دوستداران ایشان با خواندن شعر و مقاله از خدمات ارزنده مختومقلی در رشد و غنای زبان و ادبیات خلق ترکمن تجلیل کردند. همچنین بخشی‌های ترکمن با نواختن دوتار و خواندن اشعار مختومقلی گرمی‌بخش این مراسم بودند. آخرین روز از هفته مختومقلی فراغی مراسم با شکوهی در آق‌توقای، آرامگاه آن شاعر والا مقام با شرکت مقامات بلند پایه استان گلستان و جمعی از مقامات ترکمنستان برگزار شد. بنا به

گزارشهای رسیده هفته بزرگداشت شاعر ملی خلق ترکمن با استقبال وسیع مردم ترکمن صحرا مواجه شده است.

در دانشگاه علامه طباطبائی تهران نیز مراسمی با عنوان آشنائی با مختومقلی فراغی و فرهنگ و تمدن ترکمن برگزار شد. در این مراسم بسیاری از شاعران و نویسندگان ترکمن شرکت کرده بودند. در این مراسم رئیس دانشگاه طباطبائی و استاندار استان گلستان در تجلیل از شاعر ملی خلق ترکمن سخنرانی کردند. استاندار گلستان در سخنرانی خود قول داد که یکی از دانشگاه‌های استان گلستان را به نام مختومقلی فراغی نامگذاری کند. در این مراسم دودردی طریک خواننده معروف ترکمن ترانه‌های ترکمنی اجرا کرد.

همچنین از سوی ترکمنهای مقیم کشورهای آلمان و سوئد نیز مراسمی برگزار شد. در این مراسم نیز با خواندن مقاله و شعر خاطره آندیشمند، محقق، فیلسوف و شاعر ملی خلق ترکمن را گرامی داشتند.

فصلنامه بین‌المللی «مختومقلی فراغی» منتشر شد.

۲۶ حزب و گروه خواستار آزادی اوجالان شدند

رادوی «حزب محافظه کاران کردستان عراق» روز یکشنبه اعلام کرد ۲۶ حزب و گروه سیاسی کرد عراقی در بیانیه مشترکی، خواستار تلاش مجامع بین‌المللی برای آزادی عبدالله اوجالان رهبر حزب کارگران کردستان ترکیه شدند.

این رادوی در خبر خود افزود: در این بیانیه که روز شنبه منتشر شده است، گروه‌های سیاسی کردستان عراق خواستار اعزام سریع گروه بازرسی بین‌المللی برای بررسی وضعیت اوجالان و زندانیان سیاسی ترکیه شدند.

به گزارش ایرنا، این رادوی به نقل از بیانیه احزاب و گروه‌های سیاسی کرد عراقی رفتار دولت ترکیه با اوجالان را تحقیرآمیز توصیف کرد و سکوت مجامع بین‌المللی را اهانت به کردهای جهان دانست. بیانیه یاد شده «اجرای تدریجی حکم اعدام اوجالان» را به مفهوم تسامح ترکیه به ادامه جنگ و بحران در این کشور ارزیابی کرده است.

فرهنگی، ادبی، هنری و اجتماعی که مضمون روشیهای تحلیلی، پژوهشی، آموزشی و خبری است خواهد کوشید تا با جلب مشارکت همه نویسندگان اعم از ترکمن و فارس عرصه نوینی را برای طرح افکار و اندیشه‌ها پدید آورد.

اراز محمد سارلی مدیر مسئول فصلنامه فراغی افزوده است: «عنوان نشریه برگرفته از نام شاعر و عارف بزرگ ترکمن مختومقلی فراغی است اما پدیده‌ای است که نام این نشریه نمی‌تواند تداعی‌گر اختصاص آن به یک قوم و یه ویژه خاص باشد بلکه به همه هوسطنان به ویژه مردم استان گلستان از هر قوم و نژادی تعلق دارد.»

فصلنامه فراغی در مقاله‌های با عنوان «بررسی اجمالی عناصر موجود در نغمه‌های زنان ترکمن» آورده است: «در نغمه‌های زنان ترکمن عناصری مانند بچه، صدوق، نمد، شانه بیانگر نوع نگرش آنان به روابط اجتماعی است.»

مطالب دیگری از جمله «خاکستر گرم موسیقی مقامی، فعالیت‌های انتشاراتی استان گلستان، آموزش زبان ترکمنی و برنامه‌های هفته بزرگداشت مختومقلی فراغی» در اولین شماره این فصلنامه آمده است.



اولین شماره فصلنامه بین‌المللی «مختومقلی فراغی» به مدیر مسئولی آراز محمد سارلی در استان گلستان منتشر شد.

در سرمقاله این نشریه به قلم مدیر مسئول آن آمده است: «این فصلنامه به موضوعات علوم انسانی توجه دارد و با پرداختن به مقولات

«مرجعیت» روحانیون و اتوریته روشنفکران

بهروز خلیق

جامعه ما آهسته، اما در ژرفا متحول می‌شود. تحول، عرصه‌های گوناگون زندگی اجتماعی کشور ما را در می‌نوردد و به تمام نسج جامعه رخنه می‌کند از آن جمله در مناسبات بین مردم و بخش «الیت» جامعه.

در طی سده‌ها، قشر آگاهی‌دهنده در سطح توده‌ای، روحانیون بودند. روحانیون در مساجد و منابر، در مراسم عزاداری و بشارتی آگاهی دینی را به میان مردم می‌بردند. تنها کانال مورد اعتماد مردم در کسب آگاهی، روحانیون بودند. روحانیون وسیع‌ترین ارتباطات را با مردم داشتند و آنچه را در حوزه‌ها آموخته بودند، وسیعاً در جامعه اشاعه می‌دادند. آنها بعنوان منادیان معنویت وارد زندگی مردم می‌شدند و جایگاه ویژه‌ای را کسب می‌نمودند. در طول سده‌ها اعتماد محکم و پابرجای بین مردم و روحانیون شکل گرفته بود. مردم آنها را به مثابه «الیت» جامعه پذیرا بودند و گفتار آنها را بعنوان احکام الهی به کار می‌بردند. دوربودن مذهب شیعه از حکومت و تقابل آن‌ها در مواقعی با حکومت، بر اعتماد مردم نسبت به روحانیون می‌افزود. می‌توان گفت تنها نهاد موجود مابین حکومت و مردم، نهاد روحانیت بود.

قشر روشنفکر که در تماس با فرهنگ غربی و از انقلاب مشروطیت به این سو شکل گرفت و در دوره مسعودرضا شاه به نیروی وسیع اجتماعی فرا روید، با وجود مبارزه پایدار و پیگیرش، نتوانست همانند روحانیت اعتماد مردم را نسبت به خود جلب کند و به مرجعیت آنها تبدیل شود. بین توده‌های مردم و قشر روشنفکر جامعه شکاف عمیقی وجود داشت. با وجود این که کشور ایران دارای جامعه روشنفکری قوی بود و روشنفکران همواره پیشگام مبارزه آزادی‌خواهانه بودند. اما آنها قادر نشدند اندیشه‌ها و افکار خود را بین مردم ببرند و به نیروی مادی تبدیل کنند. مردم به روشنفکران به دیده شک نگاه می‌کردند و دانشگاه را مرکزی می‌دانستند که دین را از جوانان می‌رباید. جامعه روشنفکری در کشور ما عمدتاً جزیره تک افتاده در بین مردم بود. سرکوب‌گری‌های رژیم پهلوی بر اثر وای آنها می‌افزود. حکومت‌گران سد و مانع ارتباط بین روشنفکران و مردم بودند. روشنفکران کمتر مجال می‌یافتند که اندیشه‌ها و افکار خود را بین مردم تبلیغ کنند. تنها در مقاطع خاصی (از جمله سال‌های بین ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲) این امکان به وجود آمد که احزاب سیاسی و نخبگان سیاسی اعتماد بخشی از مردم را جلب کنند. در انقلاب بهمن در رقابت بین روشنفکران

روحنیون برای بسیج مردم و کسب رهبری انقلاب، پیروزی از آن روحانیون و شخص خینی بود. در آن سال‌ها تنها روحانیون قادر بودند که مردم را در ابعاد میلیونی بسیج کنند هیچ گروه اجتماعی و سازمان سیاسی نمی‌توانست در آن ابعاد مردم را به خیابان‌ها بکشاند. روحانیون از طریق شبکه مساجد و نهادهای دینی با اقشار وسیع مردم در تماس بودند و توانستند پیام خمینی را به گوش آنها برسانند. به علاوه وسیع‌ترین، آگاهی اجتماعی در سطح جامعه آگاهی دینی بود که روحانیون بیشترین بهره را از آن گرفتند.

روحانیون در انقلاب بهمن قدرت سیاسی را به دست گرفتند. نهادهای ارگان‌ها را تسخیر کردند و نهادهای موردنظر خود را پی ریختند و با تمام قوا در بسط اسلام و نهادهای دینی گام برداشتند و در جهت اسلامی کردن جامعه تاخند. آنها دین و دولت را درهم آمیختند، دین و آموزش را پیوند دادند، نهادهای امر به معروف و نهی از منکر را برپا داشتند، تیشه به ریشه احزاب سیاسی مخالف زدند و به دنبال آن تمام دستگاه‌های تبلیغاتی و سرکوب را به کار گرفتند که ابتدا روشنفکران لائیک و سپس روشنفکران مذهبی را از صحنه جامعه پاک کنند.

در دهه ۶۰ شکافی در بین روحانیون پدید آمد و بخش کوچکی از آن از کل روحانیون جدا شد. ولی بخش غالب روحانیت بر تمام ارگان‌ها چنگ انداخت و پست‌های اصلی را تسخیر کرد. این دسته از روحانیون روشنفکران را به مثابه خصم تاریخی خود به حساب می‌آوردند و آنها را گورکن خود می‌پندارند. آنها بیشترین خصوصیت را در دو دهه اخیر نسبت به روشنفکران نشان داده‌اند. صفحات روزنامه کیهان، رسالت، مجله صبح، برنامه هویت و اجرای نقشه‌های متعدد برای کشتار روشنفکران لائیک و مذهبی دال بر تایید این موضوع است. این بخش از روحانیون، روشنفکران را التریاتیو خود برای بردن آگاهی بین مردم و هدایت معنوی آنها به حساب می‌آورند. التریاتیوی که نماینده جامعه مدرن و عصر روشنگری است. آنها مرگ جامعه سنتی را در حیات و فعالیت

قوی است. فاصله گرفتن از روحانیت و پذیرش اتوریته روشنفکران (و در شرایط کنونی عمدتاً روشنفکران مذهبی) تحول بس اساسی و جدی در جامعه ما است. روشنفکران در کشور ما به مثابه قشر «الیت» جامعه به تدریج جایگزین روحانیون می‌شوند. روزنامه‌های اصلاح طلب که در بردن آگاهی سیاسی بین مردم نقش زیادی پیدا کرده‌اند، جایگزین مساجد، منابر و نماز جمعه) می‌گردند. از میزان شرکت کنندگان در روزنامه‌های اصلاح طلب و بر تعداد آنها افزوده می‌شود. مردم آیت‌الله مصباح را به تسخیر می‌گیرند ولی قوچ فوج به عبادت حجاجریان می‌شایند. مصباح، سبیل روحانیت و حجاجریان، سبیل روشنفکر دینی در جامعه ما است. مردم به ناطق نوری و هاشمی رفسنجانی که استوانه‌های حکومت روحانیون هستند، نه می‌گویند و به لیست جبهه مشارکت و به روحانیون روشنفکر رای می‌دهند. نظام سیاسی ولایت فقیه دین و دولت را درهم آمیخته است. «نه» مردم به نظام سیاسی ولایت فقیه، «نه» به روحانیت هم هست. حکومت روحانیون روند جدایی مردم از روحانیت و پذیرش اتوریته روشنفکران را تسریع کرده است.

این امر پایه تحول عمیقی را پی می‌ریزد و بستر مساعدی برای گذار به جامعه مدرن فراهم می‌آورد. روشنفکران نمایان جامعه مدرن و سازندگان اندیشه‌های نوین هستند. آنها با تئوریک اندیشی و تئوریک‌اندیشان، با سنت‌های عقب مانده و حامیان آنها، با جامعه راکد و مرده سر ستیز دارند. قدرت یافتن روشنفکران، پذیرش اتوریته آنها از جانب مردم یعنی قدرت یافتن جامعه مدرن و زوال یافتن جامعه سنتی است. روحانیون متحجر با روشنگری و حاملین آن دشمنی آشقی‌ناپذیری دارند. تنها روشنفکرانی را قبول دارند که هم‌فکر و هم‌موضع آنها هستند. آنها عزت و منزلت خود را در حیات جامعه سنتی می‌بینند و جامعه مدرن را بر باد دهنده ارزش‌ها و مخرب معنویات به حساب می‌آورند.

پذیرش اتوریته روشنفکران توسط اکثریت مردم، به معنی فراهم آوردن شرایط مساعد در جامعه برای ورود به دوران نوین است. در جامعه مشخص ما، این تحول معنی دیگری هم پیدا می‌کند. آن هم جدایی دین از دولت است. شکستن مرجعیت روحانیون، در نهایت شکستن سلطه دین بر دولت است و قدرت گرفتن روشنفکران زمینه‌ساز حکومت لائیک می‌باشد.

زندگی مردم، سرکوب وحشیانه نیروهای مخالف، ترور نویسندگان و چهره‌های سیاسی ... موجب شد که اقتدار تاریخی روحانیون در بین مردم به تدریج فرو ریزد و مردم به تجربه دریابند آن‌جا که روحانیون بر مسند قدرت و ثروت می‌نشینند، به غارت ثروت‌های ملی دست می‌زنند، زندگی را بر مردم تنگ می‌کنند. کشور را به خرابی سوق می‌دهند و حکومت قرون وسطی را بر کشور حاکم می‌سازند. رژیم ولایت فقیه ضربه کاری به ذهنیت مردم در مورد روحانیت وارد آورد. تنها آن دسته از روحانیون که حساب خود را از اقتدارگرایان جدا کرده و برای تحقق خواست‌های مردم کوشیدند (نظیر منتظری، نوری، خویی‌ها، کدیور، خاتمی و ...) هنوز در بین مردم از محبوبیت برخوردارند.

می‌توان گفت که اعتماد مردم نسبت به روحانیون که در طی سده‌ها شکل گرفته بود، فرو ریخته است. با تداوم رژیم ولایت فقیه، این عدم اعتماد تشدید خواهد شد. در طی سال‌های اخیر به ویژه بعد از دوم خرداد سال ۷۶، اعتماد مردم نسبت به روشنفکران به ویژه روشنفکران مذهبی افزایش یافته است. دیگر اکثریت مردم روحانیون و تشکیل‌های آنها را به عنوان مرجع خود به حساب نمی‌آورند و بر اساس خواست و تمایل آنها عمل نمی‌کنند. انتخابات دوم خرداد، انتخابات شوراها و مجلس شورا این موضوع را عیان ساخت.

روشنفکران به تدریج جایگزین روحانیون در ذهنیت اکثریت مردم کشور ما می‌شوند. مردم به جای این که مثل سابق به خواست و توصیه‌های ولی فقیه، روحانیون حوزه، تشکیل‌های روحانیت توجه کنند و بر اساس آن رای و نظر خود را اعلام کنند، به تشکیل‌های روشنفکران مذهبی (جبهه مشارکت، دفتر تحکیم وحدت و ...) تشکیل نیروهای ملی - مذهبی (نیفت آزاد، مجله ایران فردا و ...) به ویژه روزنامه‌ها مراجعه می‌کنند. مدت‌ها است که جای نماز جمعه، مسجد و منابر را روزنامه‌ها و فرهنگ‌سراها گرفته‌اند. حداقل می‌توان گفت که این گرایش در بین جوانان که اکثریت جمیعت کشور ما را تشکیل می‌دهند،

پس به طریق اولی، هیچ حزب حکومت خواه یا حکومت گر را به رسمیت نمی‌شناسد. در اینجا یادآوری این نکته ضروری است که امر مدیریت که برگرفته از اندیشه شایسته‌سالاری است، یک خواست همیشگی مدنی است برای خدمت به جامعه شهروندی، به جای اعمال حکومت. لذا در همین جاست که حزب با ساختار اندیشه سنتی تا مادام که اینگونه باشد، حرفی برای گفتن و عملی جز حکومت ندارد. که جایگاهش در جامعه مدنی نیست. در عوض حزب مدنی به جای پرورش سودای حکومت در اندیشه و ساختار، با تقویت درون‌مایه قوی علمی - تکنولوژیک - فرهنگی، به گونه‌ای شایسته‌سالارانه در عرصه‌های مختلف در قاعده هرم با اعلام آسادی مسئولیت‌پذیری برای مدیریت، به جای اعمال حاکمیت، می‌کوشد که سهم بیشتری برای خود در توزیع قدرت متمرکز به جایگاه واقعی قدرت، یعنی نهادهای مدنی، از آن جمله خود، منظور دارد.

۲- چگونگی نگاه به جامعه مردم‌سالار (مدنی)
به طور مشخص باز طرح مجدد مقولۀ جامعه مدنی که قریب یک قرن با استقرار حاکمیت نظام سوسیالیستی در محاق قرار داشت، از بعد از فروپاشی بلوک شرق در دستور مجدد جامعه جهانی و از آن جمله، ایران ما قرار گرفته که به جرات باید گفت اندیشه و برنامه نیروهای دوم خرداد مبتکر و جلودار اصلی آن می‌باشند. چراکه! نیروهای چپ ما به دلیل همان تعلقات اندیشه به ماندگاری سوسیالیسم واقعا موجود، و چراهای دیگر، از بازپرداختن به این مهم باز ماندند.

با عنوان جامعه مدنی دو دریافت در معنی و در ذهن متبادر می‌گردد:
الف - یک دریافت با استفاده از شناسه‌های نادرست، جامعه مدنی را در مقابل جامعه

سرمایه‌داری و جامعه سوسیالیستی قرار می‌دهد. که سالف این پندار نادرست، جزئی از فرهنگ سیاسی ما بود. چرا که ما اساساً جامعه سرمایه‌داری نداریم. بلکه جوامعی داریم با حاکمیت سیاسی نظام سرمایه‌داری. همچنین ما جامعه سوسیالیستی نداریم. بلکه جوامعی داشتیم با حاکمیت سیاسی نظام سوسیالیستی. که در هردو نوع جوامع، انواع ایدئولوژی متباین به آنان هویت سیاسی، اجتماعی می‌داد. شاید در شرایط حال گفته شود که این یک خطای لغوی بوده. در اصل مراد ما هم از جامعه همان نظام است.

اولین زبان چنین خطائی انطباق جامعه بر نوعی ایدئولوژی است که به خطا جای هویت دادن به ایدئولوژی خود، به شناسه ایدئولوژی تعریف می‌گردد. و از آن مهمتر عنوان بازگشت‌ناپذیر هم بر آن می‌نهد. درست در همین جاست که باید در یافت این خطای لغوی نبوده و نیست. بلکه یک باور اندیشه است که به غلط تلاش داشت جامعه را اینگونه تعریف نماید. که امروز می‌بینیم با رشد مدنیت روزبه‌روز در حاکمیت نظام‌ها، چه سرمایه‌داری، چه سوسیالیستی، چه دینی در حال فروریزی است. همچنین نظام‌های اصول‌گرا، چرا که این جبر تاریخ است. نمی‌توان جامعه را برای همیشه بر نوعی ایدئولوژی منطبق نمود. گرچه می‌توان با هرنوع ایدئولوژی و از آنجمله نوع دینی‌اش برای مدت‌ها بر جوامعی حکومت کرد.
ب - در تعریف دوم، که جامع «مدنی» یا شناسه درست خود ارزشیابی می‌شود، جامعه‌ای است رشد یافته، پویا، مردم‌سالار به لحاظ سیاسی، که در آن از تنوع ایدئولوژی سخن در مسیان است و در نهایت جامعه‌ای است خودگردان در مقابل جامعه ابتدائی یا جامعه بدوی. عقب‌مانده، فرقه‌گرا، قیام‌سالار، ادامه در صفحه ۱۱

مشخصه حزب مدنی

احمد رضائی

قدرت در فرد یا یک جریان تولید فساد می‌نماید، جای تردیدی باقی نگذاشته. حال چگونه است که دیدگاه‌های عمدتاً ایدئولوژیک همچنان مسئله کسب قدرت سیاسی را در مرکز توجه قرار می‌دهند. آنان را اعتقاد بر این است که اشکال در تمرکز قدرت نیست، بلکه: اعمال کنندگان قدرت فاقد نظرگاه‌های مترقی و مردمی‌اند. لذا با بهره‌گیری از به اصطلاح ایدئولوژی مترقی خود استراتژی مبارزه را در سرنگونی قدرت حاکم یا جایگزینی قدرت سیاسی خود می‌بینند. اما جامعه‌شناسی مدنی این نوع نگاه به قدرت را هم به لحاظ نظری و هم به لحاظ عملی مردود می‌شمارد. چرا که تجربه هردو را دیده. پیشنهاد راهبردی جامعه مدنی در رابطه با مسئله قدرت «از جمله قدرت سیاسی» توزیع هرچه بیشتر قدرت در نهادهای مدنی به جای تمرکز آن در حکومت یا دولت یا فرد است.

مقابلۀ جامعه مدنی با حکومت‌ها صرفاً به دلیل انتقال قدرت متمرکز به جایگاه غیرمتمرکز و استفاده از آن برای کنترل حکومت یا دولت یا فرد است. پس جامعه مدنی به ضرورت وجودی قدرت معتقد است. ولی جایگاه و اعمال آن را در قاعده هرم جامعه می‌بیند. نه در راس آن. در عرصه سیاسی، اگر حکومت را مترادف با اعمال قدرت تعریف کنیم که تاکنون این گونه بوده: پس جای شبه نیست که اساساً جامعه مدنی با هر نوع حکومت بیچگونه سازگاری ندارد.

از آنجا که احزاب و سازمان‌های ما بافت سنتی خود را رها نکرده‌اند، چرا که هر کدام ایدئولوژی خاصی را با خود حمل می‌کنند، برخی مارکسیست، بعضی سوسیالیست، گروه کثیری اسلام‌گرا... و به ساختار خود به گونه‌ای تقدس‌مآبانه می‌نگرند؛ از سوی جامعه مدنی به گفتشانی عاری از تنش دعوت شده‌اند تا شاید در آینده جانمایه حزبی و یا سازمان خود را با معیارها و تعاریف مدنی از حزب، تطبیق دهند. به باور اندیشه مدنی تنها در این رهگذر است که امید به ماندگاری آنان است. در غیر این صورت باید روز به روز شاهد هرچه بیشتر تحلیل‌رفتن خود باشند. خوشبختانه برخی از این احزاب گسست از گذشته را آغاز کرده‌اند. این گونه به نظر می‌رسد که مشکل اصلی‌شان چگونگی پیوست با جامعه مدنی است. عبارات دیگر در جستجوی جایگاه خویش‌اند. که این خود حقی است طبیعی که با چگونگی گذار از حد طبیعی جامعه مدنی یعنی:
۱ - چگونگی نگاه به قدرت از جمله قدرت سیاسی.
۲ - چگونگی نگاه به جامعه مردم‌سالار (مدنی)،
۳ - چگونگی نگاه مدنی به ایدئولوژی، متحقق می‌گردد.
۱ - چگونگی نگاه به قدرت، از جمله قدرت سیاسی؛ امروزه برای هیچ‌کس این سخن که تمرکز

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

درگذشت هوشنگ گلشیری، یک ضایعه فرهنگی

صبح امروز هوشنگ گلشیری نویسنده بزرگ کشور و مبارز راه آزادی بیان و قلم درگذشت. فقدان گلشیری یک ضایعه بزرگ فرهنگی است. نقش او در ادبیات داستانی معاصر کشور بسیار برجسته است. تلاش‌های بی وقفه او در راه احیای فعالیت‌های کانون نویسندگان ایران و علیه سانسور و میزبانی و سرکوب عقاید، چهره ماندگار وی را درخشندگی بیشتری بخشید. گلشیری در جمهوری اسلامی همواره آماج کین تیاهندیشان و محافل آدمکش بود.

فدائیان خلق این ضایعه بزرگ را به خانواده وی، کانون نویسندگان ایران و همه فرهیختگان کشور تسلیت می‌گویند.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۱۶ خرداد ۱۳۷۹

اطلاعیه کانون نویسندگان ایران (در تبعید)

گلشیری از میان ما رفت!

هم‌میهنان در تبعید! هوشنگ گلشیری، داستان‌نویس، منتقد، صدای رسای آزادی‌اندیشه و بیان و قلم، از بنیان‌گذاران پیگیر کانون نویسندگان ایران، مدافع آزادی و مبارز خستگی‌ناپذیر علیه سانسور و خفقان، جهان‌پریشان مارا وا گذاشت. مرگ اما، حاشاکه توان ربودن او را نداشته باشد. او، با دست‌مایدی برگذاشته به وسعت جان عاشقش، از «شازده احتجاب» تا «بره گمشده راعی» و «فتح‌نامه مغان» و «چن‌نامه» و تا سفری شورانگیز در وادی عمری که «باغ در باغ» بود، صدای رسای زمانه ما بود. جانی از آن دست که جان به جان قلم داد و جان به جان زبان. که گفته بود خود: «اگر رفتیم و نعشان را بردیم، باز می‌گویم که روشنائیم ما!» حضور گلشیری، حضور همیشه گلشیری را حس می‌کنیم، شانه به شانه و در کنار خود، با چهل ساله عشقش در قفا، قلم برکف، که حرمت آزادی را توانی دیگر بخشیده بود، و «لبخند

هوشنگ گلشیری داستان‌نویس نامدار ایران و خالق «شازده‌احتجاب» بامداد روز دوشنبه ۱۶ خرداد، سن ۶۳ سالگی در اثر بیماری ریوی در تهران درگذشت.

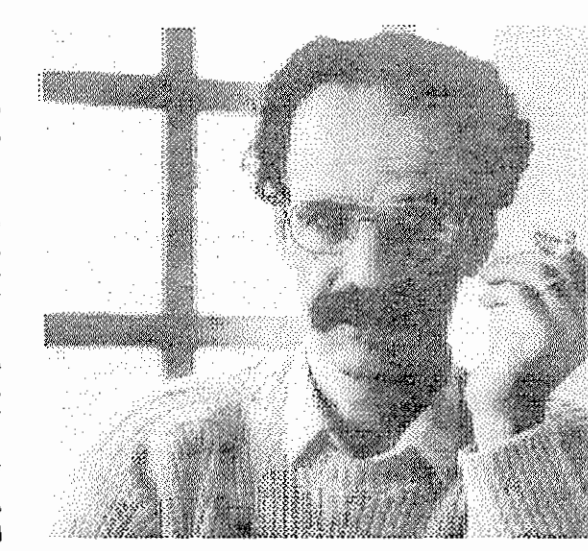
هوشنگ گلشیری پیش از این نیز (اوپل اردیبهشت ۷۹) به علت منتهت در بیمارستان ری تهران بستری بود. هوشنگ گلشیری از اعضای برجسته کانون نویسندگان ایران و عضو هیات دبیران آن بود. وی فعالیت چشمگیری در احیای مجدد کانون در سال‌های اخیر داشت.

نخستین کتاب هوشنگ گلشیری، مجموعه داستان «مثل همیشه» بود. اما گلشیری را اغلب با داستان «شازده احتجاب» می‌شناسند که آن را در سال ۱۳۵۸ کتاب «معصوم پنجم» را منتشر کرد و پس از آن «حدیث ماهیگیر و دیو» فیلم‌نامه «دوازده رخ»، «پنج گنج» و «آینه‌های دردار» را منتشر کرد. آخرین اثر گلشیری مجموعه مقالات و نقدهای وی بود که با عنوان «باغ در باغ» منتشر شد.

پیکر نویسنده بزرگ کشور ساعت ۹ بامداد چهارشنبه ۱۸ خرداد از مقابل بیمارستان ایرانمهر تهران تشییع شد.

خسرو باقرپور

ساعت ۸ صبح به‌دنبال سیزی با عفریت مرگ در بیمارستان ایرانمهر تهران از میان ما رفت، اما میراثی از خود به جای گذاشت ماندگار، شاگردانی بسیار، و شادمانی کودکانی در گشتگوهای دوستانه و یادی دلنشین در ذهن دوستان و دوستدارانش. همکاران، خانواده و دوستدارانش بامداد روز ۱۸ خرداد ۷۹ پیکر این هنرمند بزرگ ایران از مقابل بیمارستان ایرانمهر تشییع شد. ایران در سوگ هوشنگ گلشیری داغدار است.



در سوگ هوشنگ گلشیری

اهل قلم و شیفتگان فرهنگ و ادب ایران سوگوار خاموشی چراغ عمر هوشنگ گلشیری‌اند. بی‌شک گلشیری از بزرگترین داستان‌نویسان صد سال اخیر ایران است. او در سال ۱۳۱۶ در اصفهان به دنیا آمد. کودکی‌اش اما با همه هیاهو و غوغای شاد و ناشاد آن در آبادان گذشت. در خانواده‌ای کارگری و ساکن در محله کارگرنشین «بهنشین». پدرش کارگر پالایشگاه نفت بود و به همین سبب گلشیری سردی شد با مناعت طبع فراوان و قناعت بسیار. گلشیری جوانی‌اش به معلمی

مراسم خاکسپاری هوشنگ گلشیری

پیکر هوشنگ گلشیری چهارشنبه ۱۸ خرداد با حضور جمعی از ادب‌دوستان از مقابل بیمارستان ایرانمهر تشییع و در امامزاده طاهر کرج به خاک سپرده شد. چند تن از اعضای خانواده و دوستداران وی بر سر مزارش سخنان کوتاهی ایراد کردند. در روزهای آینده مراسم یادبود و بزرگداشت او برگزار خواهد شد. ایسا (خبرگزاری دانشجویان ایران) اظهار نظر سه تن از نویسندگان ایران را بازتاب داده است که در زیر می‌خوانید:

هوشنگ گلشیری در پرورش استعداد نویسندگان تاثیرگذارترین فرد بوده است
محمود دولت‌آبادی نویسنده نامدار کشور در گفتگویی با (ایسا) در باره گلشیری گفت: شاید بتوان گفت وی در پرورش استعداد نویسندگان جوان و روش و شیوه‌های کار آنها به

طور غیرمنتظیم تاثیرگذارترین فرد بوده است. آقای دولت‌آبادی، گلشیری را یکی از شخصیت‌های ممتاز ادبیات معاصر دانست و افزود: او هم در آفرینش ادبی، هم در نقد ادبی، هم در آموزش ادبیات و هم در فعالیت صنفی نویسندگان در نوع خود ممتاز بود و بیشترین نویسندگانی که اکنون بین ۳۵ تا ۴۰ سال سن دارند، دوره‌های آموزشی وی را گذرانده‌اند و گلشیری روی آنها تاثیر عمیقی داشته است. وی با بیان اینکه گلشیری نقش بسیار مهمی در احیای کانون نویسندگان داشته است گفت: گلشیری ۱۰ سال آخر عمر خود را برای احیای کانون و کوشش برای آموزش ادبیات گذراند و قطعاً کسانی که دوره‌های آموزشی وی را گذرانده‌اند حرمت، ارزش و اهمیت کوشش‌های آموزشی وی

غروب

برای هوشنگ گلشیری که رفته است و برای مهربانی‌ها و صراحتش و آثارش که جاودانه‌اند.
وقتی می‌رفتی که بیاسائی
از درد این همه زمین
تپیدن
لاریج برشکوه
ابرهای مغرب می‌گذاشتند
آتش به جان و سرخ
میوه‌ت و لال
فروزان و سوکوار
تا تو نهان شری
ده‌ها هزار مرغک خوشفشان موئیر
تا تو نهان شری
رنگ از رخ زمین و زمان
از حیوان پرید
بانوی مهربانی و زیبایی
این زمین
شولای مشکلی شب را به سر کشید.
خسرو باقرپور ۱۶ خرداد ۱۳۷۹

کلیبری تکنیک قصه نویسی معاصر دنیا را داشت
احمد رضا احمدی شاعر در این گفتگو اظهار داشت: گلشیری از نویسندگانی صاحب تکنیک بود و از اشخاصی مثل هدایت و آل‌احمد رهائی جسته بود و کارهایش منحصر به خودش بود و تکنیک قصه‌نویسی معاصر دنیا را داشت. احمدی افزود: خیلی از قصه‌های ما در قید و بند تکنیک ادبیات قرن نوزدهم است. گلشیری نویسنده‌ای معاصر بود که داستانهایش روایت و خاطره نبود، خیلی از قصه‌های ما روایت و خاطره است و مرز قصه در آن مشخص نیست. کاش او زنده می‌ماند و می‌توانست در زمینه رمان نیز کار درخشانی تحویل دهد. وی فرصت نکرد به قلمرو رمان وارد شود و نوشته‌هایش بیشتر داستان بلند بود نه رمان. وی با اشاره به فعالیت گلشیری در نشریه ادبی «کارنامه» گفت: کارنامه تازه قدم‌های اول را در عرصه ادبی بر می‌داشت که متأسفانه با مرگ گلشیری وارد مرحله دیگری شد. همانطور که در موسیقی مکتب اصفهان داریم سرآوران مکتب اصفهان در عرصه ادبی کسانی چون گلشیری، ابوالقاسم پاینده و بهار بودند.

جدیدی از داستان‌نویسی را پس از آن مطرح کرد. وی چون بر ادبیات، شعر، داستان و نوشته‌های نثر کلاسیک ما احاطه کامل داشت، کارهای مدرنش از استحکام زبان کلاسیک فارسی برخوردار بود. کسانی چون شهریار ممدنی‌پور و ابوتراب خسروی را می‌توان به نوعی شاگردان او محسوب کرد که خود نویسنده‌های قوی هستند.

آتش سبک گلشیری در نویسندگی را نوعی نوآوری معقول توصیف کرد و گفت: این روزها نوآوری در جامعه ما گسیخته است و با هرج و مرج و از دید ژورنالیستی به آن نگاه می‌شود. گلشیری کسی بود که نوآوری را براساس و قاعده ادبی و فرهنگی پی‌ریزی کرد و این نوآوری به این دلیل موثر بود که ادامه پیدا کرد و می‌کند. نوآوری که صرفاً یک فکر نو بیاید موثر نیست، بلکه زمانی

را درک می‌کنند. وی با اشاره به اینکه گلشیری روشنفکر بود و هر نویسنده‌ای به جای خود روشنفکر نیز هست، گفت: اهمیت نویسنده با اهمیت یک روشنفکر کاملاً متفاوت است. وی تاکید کرد: نخستین وظیفه دولت در قبال گلشیری و نویسندگانی مثل او چاپ صحیح آثارشان و حمایت از آنها است.

گلشیری برجسته‌ترین و باسوادترین نویسنده و منتقد داستانی ما بود
منوچهر آتشی شاعر معاصر و عضو تحریریه نشریه ادبی کارنامه در گفتگو با خبرنگاری دانشجو بیان ایران در باره گلشیری گفت: وی برجسته‌ترین و باسوادترین نویسنده و منتقد داستانی در ایران بود. آتشی افزود: او چون کارهای مدرنش را مثل شازده احتجاب، پیش از دیگران آغاز کرد، دوره